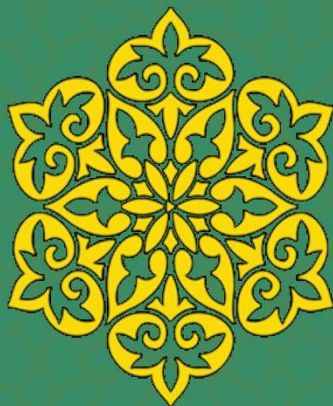


مجله علمی
صحنه خمین

سال اول - شماره ۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳



حوزه علمی امام خمینی
شهرستان خمین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه خمین

دوفصلنامه علمی

سال اول / شماره اول / پاییز و زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: حوزه علمیه امام خمینی (ره) شهرستان خمین

مدیر مسئول: مهدی مطهری

سردبیر: یاسر عرب

هیئت تحریریه: مهدی مطهری، سعید قاسمی،

ابوطالب کاظمی، یاسر عرب، مهدی رحمانی و امید محمدی

طرح روی جلد: محمد حسین اکبری

ویراستار: یاسر عرب

سخن سردبیر

توجه به آموزش پژوهش محور در حوزه های علمیه افزون بر فراهم نمودن زمینه توسعه و آزادسازی ظرفیت پژوهشی طلاب می تواند به ارائه دستاوردهای علمی طلاب کمک کند. در این میان نشریه های علمی با نگاه به مسائل و نیازهای روز جامعه اسلامی ابزاری راهبردی برای جهاد فکری و عملی نخبگان جامعه محسوب می شوند. در همین راستا با عنایت خداوند متعال و توجهات حضرت ولی عصر اروحنا فداه از سال گذشته فرابنامه ای با عنوان آموزش مهارت های پژوهشی در دستور کار معاونت پژوهش حوزه علمیه خمین قرار گرفت. مجله علمی «صحیفه خمین» بازنماینده تلاش طلاب این مدرسه است. در همین راستا، اولین شماره از دوفصلنامه علمی «صحیفه خمین» منتشر می شود تا با قلم شیوای طلاب این حوزه در راستای ترویج فرهنگ پژوهش و جهاد تبیین گامی برداشته باشیم.

فهرست مقالات

تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و روانی رسانه بر کودکان و نوجوانان



تأثیر دربار پهلوی در به فساد کشیدن جامعه



خیانت‌های فرهنگی خاندان پهلوی



دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی



تأثیر اجتماعی، فرهنگی و روانی رسانه بر کودکان و نوجوانان

امید محمدی^۱

چکیده

در این مقاله تأثیر رسانه بر کودکان و نوجوانان در سه گستره بررسی شده است: الف) تأثیر اجتماعی، که هم می‌تواند سبب رشد جامعه، خانواده و روابط فردی و جمعی شوند و هم چنانچه بی‌توجهی شود تأثیرهای زیان‌باری بر روابط فردی، جمعی و خانوادگی می‌گذارند. ب) تأثیر فرهنگی، که کنشهای آن زندگی افراد از جمله کودکان و نوجوانان را به چالش میکشد. ج) تأثیر روانی که ممکن است یک سری اختلالهای رفتاری، جسمی و حتی تکلمی را ایجاد کند و ارتباط کودک با والدین را محدود کرده یا از بین ببرد. کاهش بهداشت ذهن از مسائلی است که بررسی خواهد شد. پس رسانه دارای سه تأثیر اجتماعی، فرهنگی و روانی است که زندگی کودکان، نوجوانان و خانواده به چالش می‌کشند.

کلیدواژه: کودکان و نوجوانان، رسانه، اجتماعی، فرهنگی و روانی

^۱. طلبه پایه پنجم حوزه علمیه امام خمینی (ره) شهرستان خمین

رسانه‌ها تأثیر بالا و مختلفی بر روح، جسم و روان افراد بویژه کودکان و نوجوانان دارد. در این نوشتار چگونگی تأثیر رسانه از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. در خصوص تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و روانی رسانه بر کودکان و نوجوانان کتاب‌ها و مقالات مختلفی نوشته شده است، از جمله، مقاله‌ای تحت عنوان تأثیرات رسانه بر هویت کودکان و نوجوانان که توسط خانم زهرا ناطقی به نگارش درآمده است. ما در این مقاله تلاش خواهیم کرد رسانه را از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی و نحوه تأثیر آن بر کودک و نوجوان مورد بررسی قرار دهیم. برای تحلیل این تأثیرات بر منابع و کتابهای معتبر روانشناسی و نظرات روانشناسان و دانشمندان اسلامی تکیه کرده‌ایم.

بررسی فضای رسانه

رسانه در لغت اسم آلت و مصدر به معنای "رسانیدن" است و در اصطلاح وسیله‌ای برای رساندن پیام از پیام دهنده به پیام گیرنده است. به عبارت دیگر میتوان گفت: هر ابزاری که توانایی انتقال مفاهیم را داشته باشد رسانه نام دارد (اصغری، محمدامین، ۱۳۹۹، ص ۲۳). بنابراین به گستره‌ای از ابزارهایی که انسانها در طول تاریخ از آن برای ارتباط با یکدیگر استفاده کرده‌اند رسانه می‌گویند (آموزشگاه رسانه، تعریف و مفهوم رسانه). امروزه این ابزار با گسترش تکنولوژی دنیای ناشناخته‌های از ارتباطات را برای انسانها فراهم نموده است. بهره بردن از این حجم عظیم ارتباطات علاوه بر داشتن مزایای فراوان میتواند آسیبهای جبران ناپذیری را برای انسانها رقم بزند

در این میان کودکان و نوجوانان از آسیب پذیرترین افراد جامعه انسانی هستند که میتوان با آموزش روش استفاده درست از رسانه مانع آسیب پذیری آنان شد..

همچنین والدین با استفاده از راهکارهای مختلف تربیتی میتوانند هم خود و هم فرزندان را از آسیبهای رسانه دور نگه دارند. ظرفیت های شناختی کودکان نیز در دورههای مختلف مشخص میکند آنان چه زمانی و به چه شکل محتوای رسانه را استفاده میکنند، زیرا محتوای رسانه بر کودکان و نوجوانان اثر جدی دارد. مثلاً فضا و موقعیتی که کودک در آن تلویزیون تماشا میکند یکی از عواملی است که آنان را تحت تأثیر خود قرار میدهد (ودودی الهه، ۱۳۸۶، شماره ۵۰، ص ۸۹-۸۸).

ازجمله تاثیراتی که رسانه را در تربیت کودکان مدد رسان والدین و مربیان می-کند میتوان به «کمک به رشد آگاهی و رشد مهارتهای اجتماعی و همچنین رشد مهارتهای مختلف هماهنگی و حرکتی و خواندن و نوشتن» اشاره کرد (رامو، رسانه بچه های ایران، دانستیها، رسانه کودک).

رسانه دارای انواع مختلف اجتماعی، فرهنگی و روانی است که هر کدام از آنها دارای مزایا و آفات مختلف تربیتی برای کودکان و نوجوانان هستند. بررسی انواع رسانه و راهکار استفاده از مزایای آنها و مقابله با آفتهایشان میتواند والدین و مربیان را در تربیت شایسته کودکان و نوجوانان مدد رسانی نماید.

۱. رسانه اجتماعی

یکی از فناوریهای ارتباطی که در مواجهه با رسانه های دیگر به تدریج به یکی از گونه های پرمصرف به خصوص در میان کودکان و نوجوانان تبدیل شده است

رسانه‌های اجتماعی‌اند (طالبیان، حامد، ۱۳۹۴، فرهنگ، هنر و ارتباطات). این رسانه دارای مزایا و آسیب‌هایی است که در عبارتهای زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. آسیب‌های رسانه اجتماعی

یکی از بحث‌هایی که در رسانه‌های اجتماعی بسیار دیده می‌شود، آسیب‌های آن است. یکی از شناخته‌ترین آسیب‌های رسانه اجتماعی، اعتیادی است که بین نوجوانان و کودکان ایجاد می‌کند. این اعتیاد، روابط واقعی کودک و نوجوان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (حلمی، احسان، ۱۳۹۷). از دیگر آسیب‌های رسانه اجتماعی، افزایش استفاده از این رسانه‌هاست که ارتباط معناداری با کیفیت پایین خواب در کودک و نوجوان دارد و تأثیرات مختلفی را بر آنها به جا می‌گذارد (زهره‌وند، محمد، ۱۴۰۱، ص ۱۵).

یکی از پرطرفدارترین رسانه‌های اجتماعی که توانسته بیشترین آسیب را بر کودک و نوجوان وارد سازد تلویزیون است. این رسانه با هدر دادن وقت زیاد موجب اختلال در امور درسی نوجوانان شده است. رسانه و شبکه‌های اجتماعی به کودکانی که در میان محرک‌های سطحی رشد می‌کنند، تأثیر می‌گذارد، این کودکان فاقد توانایی درک عمیق خود و دیگران هستند. تلویزیون امروزه نقش مهمی را در خانواده ایفا می‌کند و تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر فرهنگ، روح و روان کودکان و نوجوانان دارد. این ابزار روزبه‌روز بر کودکان و نوجوانان مسلط تر می‌شود. خانواده‌ها باید طوری عمل کنند که بتوانند کودک و نوجوان خود را کنترل کنند (خوش کناری، سعید، ۱۳۹۶). از دیگر آسیب‌های مخرب رسانه‌های اجتماعی برای کودکان و نوجوانان

ایجاد خشونت و از دست دادن کنترل خود و بدرفتاری است (محمدی مقدم، نازنین، ۱۳۹۷). البته تلویزیون علاوه بر داشتن آسیب‌هایی فراوان دارای مزایایی خوبی از جمله آموزش‌های مختلف و مفیدی برای عموم مردم و کودکان نیز می‌باشد.

۲-۱. مزایای رسانه اجتماعی

همانطور که در عبارت بالا به آن اشاره شد یکی از ابزارهای مورد استفاده که میتوان با آن روابط اجتماعی را گسترش داد تلویزیون است. این وسیله به عنوان یکی از قوی ترین و تأثیرگذارترین رسانه عصر حاضر در شکل گیری رفتار، عقاید، عواطف و روابط فردی و اجتماعی فرد نقش عمده‌ای ایفا کند. تأثیرات اجتماعی مانند: پرکردن اوقات فراغت، اجتماعی کردن کودکان و کاهش فعالیتهای اجتماعی (ناطقى، شاهده زهرا- سجادی، مرضیه سادات، ۱۳۸۶). تأثیرات اجتماعی سبب تأثیر گذاری کودکان و نوجوانان بر جامعه شده و تغییرات مثبتی را ایفا کنند (حلمی، احسان، ۱۳۹۷). تحقیقات نشان می‌دهد کودکانی که از رسانه درست استفاده کرده‌اند، اجتماعی‌ترند. بوسیله تلویزیون میتوان جامعه را هدایت کرد و بر تربیت کودکان و نوجوانان اثر گذاشت، آموزش‌های صحیح و لازم را به کودکان و نوجوانان یاد داد، سرگرمی و اشتغال ذهنی جذاب و لذتبخش برای آنان ایجاد کرد و حتی سطح دانش و بینش آنان را افزایش داد. این آموزش اگر با ارزشهای عقیدتی مخالف نباشد موجب شکلگیری شخصیت و رفتار آنان میشود. از دیگر مزایای رسانه این است که مردم بوسیله آن نظر خود را به جامعه و سپس به جهان انتقال میدهند (طاهریان، مریم، ۱۳۹۶، ص ۳۴).

۳-۱. رسانه و رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان

از جمله مواردی که تأثیر بسیاری در رشد و ترقی کودکان و نوجوانان دارد، بازی-های رسانه ایاند. استفاده بیش از حد برخی از این بازیها هر چند ممکن است باعث تحلیل مهارت‌های حرکتی کودکان و نوجوانان شود، اما از طرفی میتوانند باعث تقویت هماهنگی اعصاب و عضلات و توانایی ذهنی آنها شود (رامو، رسانه‌های بچه‌های ایران).

۴-۱. جایگاه رسانه اجتماعی

یکی از بخش‌های مهم رسانه جایگاه اجتماعی آن است. رسانه نه تنها ابزار ارتباطی است بلکه به بخش مهمی از زندگی تبدیل شده است (حلمی، احسان، ۱۳۹۷). رسانه اجتماعی نه تنها در زندگی افراد نقش ایفا میکند، بلکه در آینده و نسل کودکان جایگاه اساسی دارد. اهمیت نقش رسانه را میتوان در غالب مثال این چنین بیان کرد که رسانه اجتماعی همچون یک شمشیر دولبه است یعنی در حالی که مزایای بسیاری دارد می‌تواند زندگی کودکان و نوجوانان را به شیوه‌ی ناسالم تحت تأثیر قرار دهد. این امر موجب شده رخنهای درون زندگی و نسل کودکان و نوجوانان ایجاد کند که از درون و از جهات مختلف اجتماعی، رفتاری، روحی و معنوی، خللی در آنها به وجود آورد و به آنها ضربه بزند و از رشد و ترقی در امورات مختلف بازدارد.

۲. رسانه فرهنگی

کلمه فرهنگ مفهومی فراگیر است که مجموعه نگرش‌ها، آداب و رسوم را به دنبال دارد. فرهنگ موضوعی است که علاوه بر تاریخ نگاران هنری، ذهن انسان‌شناسان

و جامعه‌شناسان را به خود مشغول کرده است (کسمایی الهه، ۱۳۹۵، ص ۱۸). فرهنگ واژه‌ای است که گاهی به جای سنت و گاهی به جای قومیت به کار می‌رود. فرهنگ را مجموعه‌ای از آداب و سنن مختلف در سنت-های گوناگون میدانند که هویت و جنبه‌های زندگی فرد را نشان می‌دهد. در بین کودکان و نوجوانان فرهنگ‌های مختلفی شکل می‌گیرد که با توجه به آن آینده خود را می‌سازند و برایش تصمیم می‌گیرند که چطور در مراحل زندگی عمل کنند (شکوهی یکتا، محسن، ۱۳۹۸). فرهنگ به افراد هویت می‌بخشد و باعث کنش میان آنها می‌شود. فرهنگ به عنوان مجموعه باورها و اعتقادات قلبی یک گروه و جامعه تشکیل دهنده شیوهی زندگی آنهاست. فرهنگ از طریقی عامل شکل-گیری زندگیست. زندگی بر مبنای فرهنگ پیش می‌رود و از هرجهتی می‌تواند جامعه را توسعه داده و به ترقی برساند. کودکان و نوجوانان فرهنگ را مورد استفاده قرار داده و آن را بازیچه زندگی خود تلقی می‌کنند. آنان از طریق فرهنگ رسانه را دنبال می‌کنند و از طریق رسانه فرهنگ را تعریف می‌کنند که ما نام این را رسانه فرهنگی می‌گذاریم.

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر خود قرار دهد تأثیرات فرهنگی رسانه است. رسانه با اثر گذاشتن بر کودکان و نوجوانان تأثیرات فرهنگی را بر آنان تحمیل می‌کند. تأثیرات فرهنگی اثر فراوانی بر کودکان و نوجوانان می‌گذارد که عبارتند از: بلوغ زودرس، الگوگیری نامناسب، دسترسی آسان به اطلاعات ناسالم (ناطق، شاهده زهرا - سجادی، مرضیه سادات، ۱۳۸۶، ص ۱۲) در بحث رسانه فرهنگی می‌توانیم با اتخاذ سیاست‌های متفاوت ارتباطی توسعه فرهنگی

کشورها را آسان کنیم و سرعت ببخشیم. وقتی توسعه کشورها آسان شود بسیاری از اختلالاتهای ارتباطی و خلل های مختلف حل می-شود (تمدن الهه و اسعدی زهره، ۱۳۸۳، ص ۴). از جهاتی دیگر رسانه فرهنگی اثر گذاریهایی دارد که از آن جمله همدلی مجازی است یعنی ارتباطات مجازی کودکان و نوجوانان شکل میگیرد و به بالینی واقعی تسری دهند (حلمی، احسان، ۱۳۹۷). رسانه فرهنگی تأثیرات فراوانی را به همراه دارد و بحثهایی را دنبال میکند که مورد توجه کودکان و نوجوانان واقع شده. به طور مثال: تصوّر کودکان در رسانه اغلب به صورت انیمیشن حیوانات یا موجودات خیالی نشان داده میشود. کودکان نسبت به این موضوع نظر مثبتی دارند. این از کاربردهای رسانه فرهنگی است (ودودی الهه، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲).

۱-۲. رسانه فرهنگی و کاهش روابط خانوادگی

رسانه، تأثیرات قابل توجهی بر خانواده و کودک و نوجوان میگذارد. این تأثیرات عملکردهایی را به دنبال دارد که به آنها میپردازیم.

یکی از عملکردهای رسانه در خانواده جذابیت برنامه‌های آن است که موجب علاقه شدید کودکان میشود. این علاقه به همان میزان از صمیمیت و ارتباطات خانوادگی میکاهد (اسماعیلی، محسن، فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹). از سوی دیگر سرمایه گذاری وسیع مالکان رسانه‌های بزرگ برای تولید برنامه‌های کودک و نوجوان امیدها و بیمهای فراوانی برای اندیشمندان و مصلحان برانگیخته است. کودک و نوجوان احساس کمبود محبت از جانب خود نسبت به والدین و اعضای خانواده را میبیند که صدمه جدی به آنان وارد می-کند، یعنی روابط دو طرفه را سرد

و سبب میشود کودک گوشه گیر شده و از محیط گرم خانواده جا بماند. این حالت در روابط دوستانه آنها در اجتماع نیز تأثیر سوء خواهد داشت. استفاده از اینترنت نیز باعث کاهش روابط خانوادگی میشود. البته کودکان و نوجوانان نسبت به این رسانه‌ها حق و حقوقی دارند و حقوق آنها در برابر رسانه یکی از مهمترین و جذابترین مباحث حقوق اطفال است (اسماعیلی، محسن، فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

۲-۲. آسیبها و نگرانیهای رسانه فرهنگی

آسیبهایی که رسانه به نوجوانان وارد میکند بر سه قسمند: قسم اول پرخاشگری است. پرخاشگری یعنی صدمه زدن بدنی، رفتاری و کلامی به دیگران (جلیل پیران، میلاد- رئیس، حاتم، بی تا، ص ۳۲۲). پرخاشگری قسم رایجی است که بین کودکان و نوجوانان شکل گرفته و موجب شده آنان با توجهی که به رسانه دارند دارای آسیبهای جدی تری شوند. درقسم دوم که اختلال تمرکز و توجه نام دارد در کودکان و نوجوانان باعث شده که رابطه آنان با یکدیگر از بین برود یا ازسویی ضعیف شود. هم چنین با دوگانگیهای رفتاری به همه چیز سست و بی انگیزه شوند که ضرری ناپسند است. قسم دیگر که بین کودکان و نوجوانان رایج شده توقف یا کاهش هوش است. این تأثیرات از نمونه آسیب هایباند که از طریق رسانه به آنها وارد میشود (تراشون، سید علیرضا، بی تا). یکی از نگرانیهای رسانه این است که باعث تضعیف ارتباط روحی و عاطفی کودک با والدین و دیگر اعضای خانواده میشود. یعنی در میان اعضای خانواده روابط را سرد کرده که برای کودک و نوجوان سمی و کشنده است. همانطور که کودک برای رسانه وقت میگذارد میزان ارتباط با خانواده کاهش مییابد یعنی

وقتهای مفیدی را که کودک و نوجوان باید به محیط خانواده اهمیت دهد را از آنها میگیرد.

۳-۲. کارکرد مثبت رسانه فرهنگی

همانطور که رسانه فرهنگی آسیبهایی دارد و به نوجوانان صدمه وارد میکند میتواند کارکردهای مثبتی را داشته باشد. مثلاً میتوان به وسیله آن جامعه را هدایت کرد، آموزشهای صحیح و لازم را به کودکان و نوجوانان یاد داد، سرگرمی و اشتغال ذهنی جذاب و لذتبخش برای آنان ایجاد کرد و سطح دانش و بینش آنان را نسبت به هویت و شخصیتشان افزایش داد (ودودی الهه، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲).

۳. رسانه روانی

یکی دیگر از بخشهایی که اثر گذاری قابل توجه و مستقیمی روی افکار و روان کودکان و نوجوانان میگذارد تأثیرات روانی رسانه است. این تأثیرات پیامدهای مختلفی را به دنبال دارند که این پیامدها آسیبهای روانی را به وجود میآورند. مثلاً زمانی که کودکان و نوجوانان بیش از سه ساعت وقت خود را در رسانه اجتماعی میگذرانند بیش از دو برابر احتمال ابتلا به آسیبهای روانی را دارند که این اثرات بر نوجوانان بسیار قویتر است و به آنان لطمه وارد میکند. از جهتی اختلالاتی به وجود میآید که در این جا به بیان یکی از این اختلالات بسنده میکنیم.

اختلال پریشانی که در کودکان و نوجوانان رایج است، باعث میشود آسیبهایی در زندگی آنها رخ دهد. علاوه بر این تجربه عذاب هیجانی و جسمانی در کودکان و نوجوانان را به همراه دارد (احمدیان، علیرضا، ۱۳۹۶، ص ۱۰۰). عذاب هیجانی

و جسمانی در کودکان و نوجوانان باعث میشود در انجام کارهای روزمره دچار استرس و اضطراب شوند که آنها را عذاب میدهد. این حالت سبب میشود، آنان کسل و خسته شده و در کارهایشان کند شوند. استفاده بچه‌های زیر دوسال از رسانه به مرور زمان باعث یک سری اختلالات رفتاری، جسمی و تکلمی میشود (ناطق، شاهد زهرا- سجادی، مرضیه سادات، ۱۳۸۶، ص ۱۲). اختلالات روانی ارتباط عاطفی کودکان و نوجوانان با والدین را از بین میبرد. (عباسی ولد، محسن، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۱۸۵). در پایان میتوان گفت آسیب‌هایی که موجب کاهش ارتباطات در کودکان و به ویژه نوجوانان میشود و تأثیر روانی را به همراه دارد استفاده از ابزار رسانهای به نام فیس بوک است. این ابزار ساخت دست انسان است که آسیبهای جدی به دنبال دارد. یکی از آسیبهای اصلی آن کاهش بهداشت ذهنی کودکان و نوجوانان است (حلمی، احسان، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

رسانه از عواملی است که بر افراد تأثیر میگذارد. رسانه بیشترین تأثیر را بر کودکان و نوجوانان میگذارد چون کودکان و نوجوانان اثر بخشی بالایی دارند. از جمله این تأثیرات تأثیرات رسانه اجتماعی است. تأثیرات مخربی بر کودکان و نوجوانان و البته تأثیرات بنیادگری میگذارد که رشد آن‌ها نسبت به جامعه و رابطه‌های فردی و جمعی را به دنبال دارد اگر مورد دقت واقع نشود عمل عکس میدهد و تأثیرات مخربی را بر رابطه‌های فردی، جمعی و خانوادگی می‌گذارد، این تأثیرات نیازمند این هستند که جایگاه اصلی رسانه‌ها را در مسیر خودش دنبال کنند که اثر پذیری مثبتی را به

ارمغان می گذارند و از تأثیرات مخرب رسانه اجتماعی درامان باشند. مرحله بعدی رسانه فرهنگی است که کنشهایی را به وجود میآورد و زندگی افراد کودکان و نوجوانان را به چالش میکشد. و در آخر تأثیر روانی رسانه است که منجر به کاهش جدی در ارتباطات خانوادگی، تضعیف ارتباط روحی، انزوا طلبی و ارتباط عاطفی کودکان و نوجوانان با والدین میشود. لذا نتیجهای که از این پژوهش به دست میآید اثر گذاری رسانه های اجتماعی، فرهنگی و روانی بر کودکان و نوجوانان است که موجب شده آسیب و نگرانی هایی که رسانه برای آنان ایجاد میکند به تدریج باعث کاهش ارتباطات خانوادگی آنان شود.

فهرست منابع

- احمدیان علیرضا، مقدمه ای بر آسیبشناسی روانی پیشرفته، انتشارات پادینا، تهران، ۱۳۹۶ش.
- اصغری محمدامین، من و رسانه، انتشارات نسل روشن، تهران، ۱۳۹۹ش.
- اسماعیلی محسن، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ششم، ۱۳۸۹ش.
- باهنر ناصر، دین، رسانه و کودک، نشر نهج، تهران، بهار ۱۳۹۲ش.
- بادامی محمدعلی، مقدادی محمدمهدی، پیلهور مرضیه، مجله پژوهشهای حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۵۰.
- تمدن الهه و اسعدی زهره، بررسی تأثیر رسانه‌ها و فناوریهای دیجیتال ارتباطی و اطاعاتی بر هویت کودکان، اداره آموزش و پرورش آباده.
- جلیل پیران میلاد، رئیسی حاتم، اختلالات دوران کودکی، بیتا، بیجا، انتشارات مینوفر
- خوش کناری سعید، نقش تلویزیون بر رفتار کودکان، انتشارات قانونیار، تهران، ۱۳۹۶ش.
- زهره وند، مهندس محمد، یعقوب نژاد محمدسینا، آسیبهای فضای مجازی بر کودکان و نوجوانان، انتشارات ناک، تهران، بهار ۱۴۰۱ش.
- شکوهی یکتا دکتر محسن، روان شناسی خانواده، انتشارات تیمورزاده، ۱۳۹۸ش.
- طاهریان مریم، روزنامه نگاری الکترونیک، سال دوم، شماره مسلسل ۶، ۱۳۹۶ش.

طالبیان حامد، تحلیل فرهنگی باز نمای حریم خصوصی در رسانه‌های اجتماعی، هنر و ارتباطات، انتشارات فرهنگ، تهران، ۱۳۹۴ ش.

عباسی ولدی محسن، من دیگرم، قاب سراب نشان ویداری خواب نشان، انتشارات آیین فطرت، قم، زمستان ۱۳۹۹ ش.

کسمایی الهه، فرهنگ سازی تلویزیون برای کودکان و نوجوانان، انتشارات روزگار، تهران، ۱۳۹۵ ش.

محمدی‌مقدم نازنین، تأثیر پذیری کودک از رسانه‌ها، انتشارات پشتیبان، تهران، ۱۳۹۷ ش.

ناطق‌ی شاهدزهره، سجادی مرضیه‌السادات، پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، شماره ششم، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۶ ش.

ودودی الهه، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۰، ص ۸۸، سال ۱۳۸۶ ش.
ویکتورسی استراسبرگ، امی بی جوردن، واد دانراستیان نادعلی منا، اثرات رسانه‌ها بر سلامتی کودکان و نوجوانان، مجله طبوبی، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۲ ش.

حلمی احسان، هنر و رسانه، بیتا، تأثیر منفی رسانه‌های اجتماعی در کودکان.

آموزشگاه رسانه، تعریف و مفهوم رسانه، بی تا،

amozeshgahresaneh.ir

تأثیر دربار پهلوی در به فساد کشیدن جامعه

مهدی رحمانی^۱

چکیده

در زمان پهلوی حکومت بر این باور بود که یکی از عوامل عقب ماندگی ایران از کشورهای توسعه یافته فرهنگ ایرانیان است. تغییر فرهنگ با بوجود آوردن فساد در بدنه حکومت و مردم می‌توانست اهداف پهلوی را از این اقدام فراهم سازد. از آنجایی که اطلاع داشتن افراد جامعه از اهداف این سیاست می‌توانست آنها را در برابر اقدامات ضد فرهنگی حکومت بیمه نماید علمای شیعه به تبیین این سیاست‌ها در حکومت پهلوی پرداختند. این روشن‌گری‌ها باعث شد تا مردم در کنار علما تا سال ۵۷ به مبارزه با حکومت پردازند و سرانجام این مبارزات در همان سال با انقلاب اسلامی به ثمر رسید. نوشتار حاضر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای تلاش دارد تا علاوه بر بررسی سیاست‌های تغییر فرهنگ توسط پهلوی به ضرورت دانستن این اهداف برای افراد جامعه پرداخته تا بینش آنان را در برابر عوامل ضد فرهنگی افزایش دهد.

کلید واژه: فساد، پهلوی، جامعه، دربار، فرهنگ، روحانیت، دین.

^۱. طلبه پایه پنجم حوزه علمیه امام خمینی (ره) شهرستان خمین

در میان کتب تاریخ ایران صفحاتی است که حاکمان و قدرتمندان سعی داشته‌اند که جامعه را به فساد کشانده و قدرت تحلیل و تفکر را از جامعه سلب کنند تا نسل‌های آینده نسلی باشد فاسد تا برعلیه حکومت آنها قیامی رخ نداده و در کمال آرامش به غارت مردم و کشور پردازند.

در زمان سلطنت خاندان پهلوی سیاست‌هایی در جامعه ایرانی اعمال شد که نتیجه‌ای جز فساد و مطیع شدن جامعه در مقابل حکومت استبدادی و دیکتاتوری پهلوی نداشت. در مقابل اعمال آن سیاستها بر ضد فرهنگ ایرانی اسلامی، مردم به رهبری روحانیت به مبارزه با حکومت و سیاست‌های ضد فرهنگی‌اش پرداختند.

خاندان پهلوی و دوست‌دارانش از سیاست‌های فسادزای خود دست نکشیده و شروع به قلم زدن، تحریف و تطهیر سیاست‌های پهلوی کردند. استمرار در به فساد کشیدن جامعه باعث شد تا جامعه فعلی در مورد خاندان پهلوی به دو دسته طرفداران و مخالفان این خاندان تقسیم شود. البته کم کاری در زمینه تاریخ پهلوی در ایجاد این دو دستگی بی تأثیر نبوده و همین خلاء لزوم پژوهش در این زمینه را می‌رساند و جزء نیازهای نسل فعلی و آینده می‌باشد (khamenei.ir) تا بتوانند از وقایع تاریخ درس گرفته و راه موفقیت را سریع‌تر طی کنند (مصطفی الموتی، ۱۳۶۷، ج ۲).

در گذشته نویسندگان محترمی در مورد فعالیت‌های پهلوی قلم زده‌اند ولی اینجانب ندیدم در مورد فعالیت‌های ضد فرهنگی پهلوی کتاب یا مقاله منسجمی وجود داشته باشد و به بیان و دسته بندی آنها پردازد یا اگر در این زمینه قلم زده‌اند فقط به یک بعد آن اهمیت داده‌اند برای مثال دکتر سید محمد حسین ابطحی که به دین ستیزی

پهلوی پرداخته و فعالیت‌های ضد فرهنگی دیگر را ذکر نکرده است (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۲۲).

لفظ «فساد» را می‌توان در دو معنا مورد بررسی قرارداد.

- ۱- فساد در قدرت و اخلاق و تفکر کارگزاران حکومت که به معنای هر کاری است که به منافع شخصی افراد یا حکومت برمی‌گردد.
- ۲- فساد در جامعه که به معنای وجود هر کار زشت و ناپسندی مثل دزدی، روابط نامشروع، اعتیاد و افزایش بی‌غیرتی است.

در این مقاله به بررسی سیاست‌های ضد فرهنگی پهلوی در هر دو معنای فساد خواهیم پرداخت.

۱. تأثیر دربار در گسترش فساد

ساختار سیاسی حکومت رضاشاه مبتنی بر سه پایه اصلی: ارتش، بوروکراسی مدرن و پشتیبانی گسترده دربار بود (ابراهیمان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷). فساد در دربار از آن جهت اهمیت دارد که بیشتر افراد تحت تأثیر جو جامعه و رفتار حاکمان آن هستند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۲، ص ۸). محیط اگر فاسد و منافی اخلاق پسندیده باشد جامعه را فاسد می‌گرداند (مطهری، ج ۲، ص ۱۹۱). بنا براین فساد دربار از دو جهت حاکم جامعه بودن و عضوی از جامعه بودن دارای اهمیت است. قسمت عمده‌ای از اخلاق و تفکر جوانان و نوجوانان به واسطه تقلید از حاکمان جامعه و خانواده خود شکل می‌گیرد؛ اگر حاکم کشور بخواهد الگوی خوبی برای جامعه‌اش باشد باید بسترهای فساد خیز را جمع کرده و مسئولین کشور و خانواده خودش را از انجام فعالیت‌های

فساد را منع کند، ولی در حکومت پهلوی شاهد منع از فعالیت‌های فسادزا نیستیم که خود دلیل بر این است که شاه خواستار آن بوده که بر جامعه‌ای فاسد حکومت کند و جامعه صالح را به فساد بکشانند.

نگرش اسلام به خانواده نگرشی اصیل است که خانواده اصل قرار داده شده و بر هم زدن بنیان خانواده یا آشفته نمودن آن جزء بدترین کارها است (khamenei.ir). با مطالعه تاریخ پهلوی متوجه این موضوع می‌شویم که خانواده رضا شاه علاوه بر فساد داخلی خودش سعی بر این داشته که قلب تپنده جامعه یعنی خانواده را هم فاسد کند. فساد دربار را از چندین جهت می‌توان بررسی کرد:

۱-۱. قاچاق مواد مخدر توسط دربار

در آن روزها سعی بر این بود که فساد در بین جامعه رواج داشته باشد. دربار از جمله مهم‌ترین شرکای باندهای مواد مخدر در این کشور بود و مبارزه با مواد مخدر کاری نمایشی بود (khamenei.ir) اشرف پهلوی خواهر شاه بوسیله ابراز علاقه به رزم آرا از او می‌خواست تریاک حاصل از مزارع خشخاش اصفهان را به وسیله کامیون‌های ارتش به تهران منتقل کند. (hamshahrionline.ir) با توجه به فعالیت‌های فساد زای اشرف، شاه از خواهرش خواست که از کشور خارج شود چون مظهر فساد و زیاده روی‌های خاندان پهلوی شده بود (شوکراس، ۱۳۹۲) این در حالی است که اشرف را در فرودگاه سوئیس با چمدانی پر از هروئین دستگیر کردند (khamenei.ir).

۲-۱. فساد مالی دربار

در زمینه فساد مالی بهترین دلیل این است که وقتی درباریان از این کشور رفتند میلیاردها دلار از ثرویشان در بانک‌های خارجی انباشته شده بود (شوکراس، ۱۳۹۲). مأموران گمرک در سراسر اروپای غربی و آمریکای شمالی با وضع عجیبی روبرو شدند چون نمی‌توانستند قیمت اشیاء گرانبهایی که وارد کشورشان می‌شود را ارزیابی کنند. تقریباً هر ثروتمندی در ایران ناگهان خواستار انتقال تلگرافی ثروتش به بانک‌های خارجی شده بود که باعث شد کارمندان بانک مرکزی دست به اعتصاب زده و از ارسال هرگونه تلگرافی خودداری کنند و اسنادی را منتشر کردند که دو تن از برادرزادگان شاه و یکی از امرای ارتش مبلغ ۴/۲ میلیارد دلار به بانک‌های خارج انتقال داده‌اند (شوکراس، ۱۳۹۲، ص ۱۹). هویدا به برادر خود می‌گوید: «اگر نظام سلطنتی سقوط نماید، تقصیر عمده برعهده خانواده شاه است. در دربار مسابقه غارتگری است» (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳). وقتی وزیر و مسئولین بلند پایه حتی خود شاه از بیگانگان رشوه بگیرد حال باقی مردم مشخص است؛ حکومت پهلوی علاوه بر تلاش جهت به فساد کشیدن جامعه دستگاه‌های دولتی را به صورت عمدی فاسد می‌کردند (khamenei.ir).

شهرت فساد مالی پهلوی به قدری بود که سازمان سیا در گزارشی می‌نویسد: «اخیراً توجه شاه به یکی از معاملات اشرف جلب شده بود که اگر جزئیات این معامله علنی شود به دلیل رقم بالای سوء استفاده مالی بازتاب منفی خواهد داشت که شاه به این گزارش توجهی نکرد. رئیس بانک می‌گفت: اگر کسی دیگر جز اشرف این کار

را کرده بود، ۱۰ سال حبس می کشید» (میلانی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۷). و اگر برای حل مشکلات مردم بودجه‌ای خرج می شد کسی به دنبال بهره‌برداری از آن نبود و صرفاً پول‌هایی خرج می شد برای مثال: توزیع برق تهران دچار اختلال بود و ابزار اصلاح این مشکل خریداری شده بود ولی کسی به سراغ آنها نمی رفت (نهادوندی و ایوبوماتی، ۱۳۹۲، ص ۶۱۹).

۳-۱. ایجاد اختلاف طبقاتی در جامعه

باتوجه به فسادهای مالی که ذکر شد طبیعی است که در کشور شکاف طبقاتی ایجاد شود. در تهران هزاران کارگر ساختمانی روزهای خود را صرف ساختن ویلاها و حتی کاخ‌های مجلل برای ثروتمندان می کردند و شب‌ها را در کلبه‌های گلی یا حفره‌هایی در زمین می گذراندند و عده کمی از مردم از اوضاع راضی بودند هیچ گونه اعتمادی بین دولت و مردم وجود نداشت. پارسونز می گوید: «جای شگفتی نیست که مردم به سوی رهبران سنتی خود یعنی روحانیون روی آورند» (شوکران، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

حاکم کشور زمانی مشکلات جامعه را درک می کند که مثل مردم زندگی کند در حالی که خاندان پهلوی مثل مردم زندگی نمی کردند، پشت دیوارهای بلند دارای نگهبان و حسگر الکترونیک زندگی می کردند و از وضع مردم خبر نداشتند که این جدایی از مردم باعث ایجاد فساد در دستگاه‌های دولتی و منجر به شکاف طبقاتی می شود

(شوکراس، ۱۳۹۲، ص ۳۹). یکی از علت‌های اصلی شکاف طبقاتی در حکومت پهلوی وجود افرادی بود که زمین‌های حاصل خیز را غصب کرده و در اختیار خودشان قرار می‌دادند، زمین‌هایی که درآمد اصلی مردم آن منطقه از همین زمین‌ها بوده است برای مثال منطقه اسفراین با این همه استعداد در دست پهلوی بود (khamenei.ir).

۴-۱. فساد اخلاقی دربار

اشرف پهلوی سخن خیانت احمد شفیق، شوهر دومش را همیشه بازگو می‌کرد در عین حال خودش معشوقه‌های متعددی داشت، یکی از آن‌ها رزم آرا بود که نامه‌هایش را کاوه بیات منتشر کرده که هشت نامه است که در آنها به رزم آرا اظهار علاقه می‌کند اما این عشق و علاقه رویه دیگری هم داشت که در بحث مواد مخدر به آن پرداختیم. رزم آرا به وابسته سفارت انگلیس در تهران گفته بود که اشرف پهلوی خیلی مزاحم من می‌شود (hamshahronline.ir). فردوست اشرف را فاسدترین زن جهان می‌داند و می‌نویسد: «اگر قرار شود لیست مردانی که با اشرف رابطه داشتند تهیه شود قطعاً لیست بلندی خواهد شد. اشرف زنی معتاد، قاچاقچی مواد مخدر، عضو مافیای آمریکا، بیمار جنسی بود. زنی که به قول خودش اگر هر شب یک مرد تازه نبیند خوابش نمی‌برد» (فردوست، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۳۲).

فساد در دربار آنقدر زیاد بود که هویدا چندین بار به شاه تذکر داده که اگر بناست با فساد مبارزه شود بایستی این کار را از خانه خود آغاز کند. (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳) سیا در مورد فساد دربار می‌نویسد: «دربار مرکز هرزگی و شرارت و فساد و رقابت‌های مبتذل بود» (شوکراس، ۱۳۹۲، ص ۹۴). فریده فرجام

نویسنده‌ای که کتابش در کانون پرورش فکری به چاپ رسید در گفت و گویی با «خبرنامه کانون» در مورد فساد دربار می‌گوید: «به تدریج مشکلاتی پیش آمد که از همه نگران کننده‌تر این بود که فساد دربار به محیط فرهنگی کانون کشیده شده بود» (kayhan.ir).

۵-۱. اقدامات ضد قانونی پهلوی

تمام افراد جامعه باید در مقابل قانون یکسان باشند این بدین معناست که اگر حاکمان کشور هم بخواهند از قانون سر پیچی کنند محاکمه می‌شوند ولی در دوران پهلوی قانون برای خاندان پهلوی ثابت نبوده و هر جایی نیاز بود تغییری به نفع خودشان انجام می‌دادند که این سوء استفاده از قدرت توسط حاکمین کشور باعث افزایش جرم در دل جامعه می‌شود. حاکمان کشور به عنوان الگو و حاکم باید به قانون متعهد باشند و به آن احترام بگذارد تا مانع افزایش جرم و فساد در جامعه شود در حالی که در زمان پهلوی شاهد احترام به قانون و تعهد به انجامش توسط حاکمان نیستیم. همانگونه که ذکر شد بدون هیچ اجازه قانونی بیت المال را از کشور خارج کردند و برای مقاصد شخصی از آن استفاده کردند.

طبق قانون اساسی باید مادرشاه ایرانی الاصل باشد و برای اینکه پس از تولد ولیعهد اشکالی نباشد مجلس شورای ملی اقدام به تفسیر قانون اساسی نمود و به ملکه فوزیه صفت ایرانی الاصل داده شد (الموتی، ایران، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۵۴). رعایت نکردن قانون فقط در قانون اساسی نبود بلکه به دانشگاه هم رسیده بود حسینعلی امیرارجمند که دارای مدرک تحصیلی عالی و استاد فیزیک دانشگاه تهران بود با داشتن انحرافات

اخلاقی و عدم صلاحیت علمی با تکیه به موقعیت همسرش لیلی مشاغلای عالی در دانشگاه تهران را به دست آورد و در سال ۱۳۵۷ رئیس دانشگاه فرح پهلوی شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

۱-۶. نبود مهر و محبت در خاندان پهلوی

برای شناخت شخصیت و تفکر هر شخصی اول باید خانواده وی را شناخت زیرا انسان در محیط خانواده شخصیتش شکل می گیرد. بنابراین شناخت خانواده پهلوی برای شناخت نقش شاه در فرهنگ جامعه لازم است. زندگی سعادتمندانه در صورتی برای بچه ها حاصل می شود که آرامش و سکونت در خانواده باشد و گرنه فرزندان آن خانواده دارای عقده می شو (khamenei.ir). این در حالی است که در خانواده پهلوی شاهد بی مهری هایی نسبت به هم را شاهد هستیم. رضا شاه می گوید: «من یک سرباز لخت و عور و گرسنه بودم هرگز محبت پدر و مادر را ندیده ام و هیچکس به من محبتی نمی کرد» (الموتی، ج ۱). اشرف هیچ انتظار محبتی از پدر و مادر خود نداشت و دوران کودکی خود را بیشتر تنها گذرانده و احساس بیگانه بودن داشته است (hamshahri online.ir/news/739550). در خانواده بدون مهر و محبت فرزندان با صلابت و صلاحیت حکومت داری رشد نمی کنند بلکه انسان هایی خودشیفته که در ظاهر انسان هایی شکیل ولی در باطن فاسد و غیر قابل استفاده هستند رشد می کنند.

۲. اقدامات ضد دینی پهلوی

حکومتی که سعی در حذف عوامل ضد فساد داشته باشد خود مروج فساد است. یکی از عوامل ضد فساد در ایران دین و دینداری مردم بود زیرا دین مخالف سوء

استفاده از قدرت جهت منافع شخصی و ترویج فساد در جامعه است. اقدام به حذف و کمرنگ کردن دین مسیر گسترش فساد در جامعه را برای حاکمان هموار می‌سازد. حاکم جامعه قدرت مدیریت محیط جامعه را دارد محیط یعنی مجموعه‌ای از انسان‌ها و آثار آن‌ها که هر فردی خواه نا خواه با آن‌ها مواجه است. محیط اگر فاسد و منافی اخلاق پسندیده باشد اخلاق افراد را فاسد می‌گرداند (مطهری، ج ۲، ص ۱۹۱).

پس از شکست انقلاب مشروطه علما به این نتیجه رسیدن که یکی از دلایل اصلی شکست انقلاب مشروطه دور بودن طلاب از پایتخت کشور است بنابراین با درخواست از آیت الله حائری اقدام به تاسیس حوزه علمیه قم کردند که این آغاز پر افتخار حوزه علمیه قم مصادف با آغاز سلطنت خاندان پهلوی بود و باعث شد همیشه گوشه‌ای از تاریخ ایران نزاع بین پهلوی و حوزه‌های علمیه باشد (سقوط، مجموعه مقالات ۱۳۸۲، ص ۳۹-۴۰). در اوایل تاسیس حوزه علمیه قم گروه کثیری از علمای عتبات به انتقاد از ملک فیصل پرداختند که باعث شد تعدادی از آن‌ها تبعید شوند و وارد قم شوند از جمله آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ مهدی خالصی، سید علی شهرستانی، سید عبدالحسین محب و میرزا محمد حسین نائینی. این مهاجرت باعث شد قم مرکز تشیع شود و باعث افزایش قدرت روحانیت و افزایش اختلاف بین آن‌ها و حکومت پهلوی شود (سقوط، مجموعه مقالات ۱۳۸۲، ص ۴۲). علمای اسلام هر حکومتی را که بدون اذن ولی زمان یا نائب آن‌ها ایجاد شود را غیر قانونی دانسته و وجود آن را بدون مشروعیت و باعث تضعیف اسلام می‌دانستند و مردمی که روحانیت را رهبر مذهبی

خود می‌دانستند به پیروی از روحانیت به مخالفت با حکومت پهلوی می‌پرداختند (شوکراس، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳).

اقدامات ضد دینی پهلوی بدین شرح است:

۲-۱. کم کردن قدرت روحانیت

اوایل کار رضاشاه وقتی به سلطنت رسید از پشتیبانی روحانیون برخوردار بود ولی بعد از قدرت روحانیون کاست؛ در زمان محمد رضا پهلوی روحانیون شروع به کسب قدرت کردند تا حدی که در سوء قصد به شاه و ملی کردن صنعت نفت و مبارزه با انقلاب سفید روحانیت دست داشته‌اند (شوکراس، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴). پس از حمله رضا شاه به قدرت روحانیت که به معنای کاستن قدرت دین است امام خمینی فرمودند: «اسلام دینی سیاسی بوده و نباید آن را محدود کرد کما اینکه بیشتر کار رسول خدا مبارزه با جباران بوده است نه نماز و دعا» (شوکراس، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵). رضا شاه اصلاحات نامنظمی را در کشور انجام داد که هدفش ساخت جامعه‌ای شبیه به غرب بود و راه رسیدن به این هدف دین زدایی جامعه، مبارزه با قبیله گرایی، ملی گرایی، توسعه آموزشی و سرمایه داری دولتی بود. علاوه بر این مساجد اصلی اصفهان را به روی جهانگردان گشوده تا فرهنگ غربی را در بین مردم رواج داده و به دانشکده‌های پزشکی دستور داد که حرمت کالبد شکافی میت مسلمان را نادیده بگیرند (الموتی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶ / ابراهیمان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۵). محمد رضا نیز به وسیله انقلاب سفید سعی در کم کردن قدرت مخالف اصلی ترویج فساد یعنی روحانیت و مرجعیت داشت (شوکراس، ۱۳۹۲، ص ۴۴). یکی از مخالفین اجرای انقلاب سفید و انتشار فساد و فحشا

در جامعه وجود قوم‌های مختلفی بود که با گذشت سال‌های طولانی صاحب فرهنگ‌هایی زیبا و غنی شده بودند. شاه با تفرقه افکنی و ایجاد اختلافات و تبعید و زندانی کردن بزرگان قبیله‌ها مانند سردار اسعد قدرت این قبیله‌ها را کم کرده و سعی در به فساد کشیدن این قوم‌ها و تخریب فرهنگ غنی آنها داشت (ابراهی‌مان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶). پهلوی تنها قدرت سیاسی علما را کم نکرد بلکه دولت با تصرف موقوفات قدرت مالی روحانیت را نیز سلب کرد (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

۲-۲. تلاش برای انتقال مرجعیت از ایران به نجف

بعد از فوت آیت‌الله بروجردی در قم و وجود علمای شاخصی مثل آیات عظام شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی نجفی و امام خمینی شاه تلگراف پیام تسلیت را به آیت‌الله سید محسن حکیم در عراق ارسال کرد که این به معنای پایان مرکزیت شیعه در ایران بود (قانع‌ی فرد، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۴).

۲-۳. ضرب و شتم و قتل علما

رضاشاه از آیت‌الله آقا‌زاده خواسته بود که کشف حجاب را جایز بداند تا به موقعیت سابق در خراسان بازگردد ولی او نپذیرفت و سرانجام در دی ماه ۱۳۱۶ به وسیله پزشک احمدی به شهادت رسید (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۳۵). ضرب و شتم شیخ محمد بافقی از دیگر رفتارهای غیر اصولی دربار است (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۳۴). سلطنت پهلوی برای انجام سیاست‌های ضد فرهنگی خود مخالفان خود را به واسطه زندانی کردن و تبعید کردن حذف کرد (الموتی،

۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵) محاکمه مخالفین بدون حضور در دادگاه مبنای کار ساواک شده بود (قانعی فرد، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۸).

۲-۴. تغییر فرهنگ اسلامی مردم

پس از شوک نفتی اول حکومت مخالفت خود را با دین به صورت آشکار ابراز کرد برای مثال تغییر تاریخ از هجری شمسی به تاریخ شاهنشاهی، آزادی بدون حد و حصر مطبوعات در راستای تخریب ارزش‌های اسلامی و گسترش فساد و فحشا در غالب جشن‌های هنر را می‌توان از مظاهر اقدامات فوق برشمرد (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۲۱۵). مبنای حکومت رضا شاه حکومتی بر پایه سکولاریزم و ناسیونالیسم باستان گرا بود که این تفکر باعث نادیده گرفتن نقش علما و وضع قانون تغییر لباس روحانیت شد (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۳۰). در مبارزه با فرهنگ اسلامی حکومت پهلوی اقدام به تاسیس فرهنگستان زبان فارسی کرد که قصد داشت تمامی حروفی که از اسلام در بین مردم رواج داشت و شعرا در قرون متمادی استفاده کرده بودند را حذف کرده و الفاظ جدیدی را در بین جامعه رواج دهند (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

۲-۵. نفوذ بیگانگان در دوران پهلوی و تأثیر آن در فرهنگ جامعه

فرهنگ جامعه از باورهای آن جامعه نشأت می‌گیرد، فرهنگ جامعه را در صورتی می‌شود تغییر داد که باور جامعه دچار تغییر شود. در زمان شاه عقاید و باور مردم ایران اسلامی بود و تغییر در عقاید یعنی عملی مخالف با اسلام، اسلامی که از اساس مخالف فساد است.

پروفسور پوپ چنین می‌نویسد: «ما خارجی‌ها خیال می‌کردیم که با سیاست می‌توان سرنوشت ایران را تغییر داد ولی این واقعیت را نادیده گرفته‌ایم که ایرانیان دارای خصلتی هستند که در طول تاریخ توانسته‌اند خود را در مقابل تغییرات شدید حفظ نمایند و هیچ کس نمی‌تواند باور کند ایرانی چگونه خودش را از هر بلائی نجات می‌دهد.» (الموتی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۳۴۵). وقتی فردی با شرط احراز صلاحیت یک مسولیتی را می‌گیرد تمام تلاشش را می‌کند تا خودش را اثبات کند، محمد رضا پهلوی دست‌نشانده اجنبی بود با شرط احراز صلاحیت، برای همین حاضر بود برای خوش رقصی جلوی اربابان بیگانه‌اش تاریخ ایران و فرهنگش را نابود کند (الموتی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۸).

در میان کشورهای دارنده نفت مهم‌ترین کشوری که در تحریم اعراب شرکت نمود ایران بود زیرا شاه دست‌نشانده اجنبی بود و باید موافق سیاست‌های آنان و مخالف اعتقاد و درخواست مردم عمل کند تا تأیید صلاحیت شود و به پادشاهی ادامه دهد (سقوط، مجموعه مقالات، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰). از جمله خدمات پهلوی به اجنبی‌ها اجازه فعالیت سرویس‌های جاسوسی از جمله موساد در ایران به جهت انتقال یهودیان ایران و عراق به اسرائیل بود درحالی که مردم و علمای کشور با تشکیل کشوری به اسم اسرائیل مخالف بودند (شوکران، ۱۳۹۲، ص ۸۴). دولت پهلوی از لحاظ داشتن وسایل اجبار قدرتمند بود ولی از آن جهت که نتوانست وسایل و نهادهای اجبار را بر ساختار طبقاتی و پایگاه اجتماعی مبتنی کند ضعیف بود زیرا اصلاً به جامعه اهمیت نمی‌داد (ابراهی‌مان، ۱۳۷۷، ص ۱۸۷).

۲-۶. نقش جاسوسان در گسترش فرهنگ ضد دینی

از جمله کسانی که توانست در گسترش فرهنگ غرب به دبار کمک کند لیلی امیرارجمند دوست فرح پهلوی بود. او گرایش به چپ و کمونیست داشت. حسین دلرم درباره او می گوید: «لیلی امیر ارجمند با وجود ارتباط نزدیک با دربار شاه دست از ایدئولوژی خود برنداشت و به کمونیسم بین المللی وفادار بود». پس از ازدواج فرح دیبا با شاه، لیلی امیرارجمند نیز به واسطه وی مسئول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان شد و با حمایت فرح دیبا، کانون را محلی برای ترویج مکتب الحادی و کمونیسمی کرده بود. حمایت فرح دیبا از لیلی در حدی بود که ساواک طی نامه‌ای به شاه اطلاع داد که امیر ارجمند در حال ترویج تفکر چپ هست و باید با او برخورد شود. اما فرح شخص شاه را چنین توجیه کرد که اشاعه بخشی از مطالب مارکسیسم باعث تحکیم پایه‌های حکومت می‌شود. با حمایت فرح و فعالیت‌های امیرارجمند روشنفکران مارکسیسم نیز جذب کانون شدند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، لیلی امیرارجمند، ۱۳۸۳، ص ۱۳).

براساس شواهد تاریخی لیلی علاوه برداشتن تفکر کمونیسمی یک جاسوس هم بوده است. ارسال هدیه‌هایی از سفارت چکوسلواکی و بسته‌های حاوی ظروف کریستال به وزن ۱۵۰ کیلوگرم از پراگ به آدرس سفارت چکوسلواکی در تهران برای وی و ۴۸ تماس با سفارت چکوسلواکی توسط امیر ارجمند گواه بر جاسوس بودن او می‌باشد (فردوست، ۱۳۸۶، ج ۲۱، ص ۴۴۴).

۳. نقش سینمای زمان پهلوی در به فساد کشیدن جامعه

سیاست مداران رسانه را بهترین و اساسی‌ترین ابزار در تغییر فرهنگ جامعه می‌دانند (شفقی، ۲۰۲۱، ص ۱۸-مریدی، فراهانی، ۱۴۰۲). قوی‌ترین ابزار رسانه که حکومت پهلوی نیز توانست با کمک آن فرهنگ مردم را به فساد بکشد سینما بود. سینما در تحولات عظیم دهه چهل تأثیر خود را نشان داده و سیاست مداران حکومت پهلوی پی را بر آن داشت تا با ساخت فیلم‌های داری محتواهایی همچون مثلث عشق، صحنه‌های غیر اخلاقی، رقص، درخواست مردان برای ازدواج با زنان بدکاره، هیزی و چشم چرانی مردان، تجاوز، اغفال شدن دختران و ترغیب به فریب نامزد فرهنگ ایرانی اسلامی ایجاد جامعه را به فساد بکشند (شفقی، ۵۷-۵۶). مینی ژوب و دانسینگ و هیپسم از جمله تأثیرات سینمای زمان پهلوی روی جامعه دهه چهل است (شفقی، ۱۵) که علاوه بر ترویج فرهنگ ضد اسلامی ایرانی احکام فقهی را نیز مورد تمسخر قرار می‌دادند برای مثال در فیلم‌های محلل و زن یک شبه، احکام الهی را مورد تمسخر قرار داده‌اند (شفقی، ۳۴). در فیلم جوجه فکلی شهناز تهرانی به شیرین جزایری توصیه می‌کند برای به دست آوردن دل پدر خود چند روزی را به صورت نمایشی مشغول نماز و دعا شود (شفقی، ۳۳). سینما در آن زمان کاملاً مرد سالار بوده و تمام ستاره‌های داستان مرد بودند در این میان نمایش آن همه آزادی غیر واقعی برای زنان تناقضی با اصل سینما است البته این تناقض از روی عدم آگاهی نبوده و برای ریشه کن کردن دین انجام شده است (شفقی، ۵۹).

۴. تأثیر فعالیت‌های ضد فرهنگی پهلوی در جامعه

در پی اعتراض امام خمینی به پوشش زنان در شانزدهم اسفند ۱۳۵۷ هزاران زن به خیابان‌ها آمدند و در تظاهراتی که ضد حجاب به حساب می‌آمد میان معترضین و مذهبی‌ها درگیری به وجود آمد و منجر به زد و خورد شد. (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۱۴).

نتیجه گیری

حکومت پهلوی با اقداماتی همچون فساد مالی و اخلاقی، ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه، گم‌رنگ کردن نقش دین و علما در بین مردم تلاش کرد فرهنگ مردم ایران را به سوی تمایلات غربی سوق دهد. نفوذ دین در عمق قلوب مردم ایران و روشنگری علما از اهداف تغییر فرهنگ توسط حکومت منجر شد مردم مبارزاتی با رهبری علما انقلابی بر پایه دین و فرهنگ اسلامی پی‌ریزی کنند و اساس این حکومت را برچینند. مطالعه تاریخ حکومت پهلوی و مبارزات مردم و علما علاوه بر افزایش بینش جوانان نسبت به حکومتی که بر اساس فرهنگ اسلامی می‌باشد می‌تواند درس عبرتی برای حاکمانی باشد که همواره تلاش می‌کنند فرهنگ اسلامی را از بین ببرند.

فهرست منابع

- مجلسی محمد باقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق .
- الموتی مصطفی، ایران در عصر پهلوی، پکا، لندن، ۱۳۶۹ش.
- ممینی علی، رضاشاه از نگاهی دیگر، پژوهندگان راه دانش، اهواز، ۱۴۰۱ش.
- مریدی محمدرضا - مجتبی شاهواروقی فراهانی، جاهل های سینما کارکرد سیاسی و اجتماعی سینمای کلاه مخملی در پهلوی دوم)، هنرهای زیبا، ۱۴۰۲، دوره ۲۸.
- موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، (سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی نخستین)، تهران، ۱۳۸۲ش.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (لیلی امیرارجمند زنان دربار به روایت اسناد ساواک)، ۱۳۸۳ش.
- میلانی عباس، معمای هویدا، اختران، تهران، ۱۳۸۰ش.
- شفقی امیر، نقش سینما در انقلاب ایران، ۲۰۲۱م.
- شوکراس ویلیام، آخرین سفرشاه، ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی، ذهن اویز، تهران، ۱۳۹۲ش.
- بوماتی ایو، محمدرضا پهلوی آخرین شاهنشاه، ترجمه هوشنگ نهاوندی، شرکت کتاب، ۱۳۹۲ش.
- پرواند آبراهیمان، ایران بین دو انقلاب در آمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، غزال، ۱۳۷۷ش.

قاسمی فریدون، جمهوری اسلامی ایران: از بازرگان تا روحانی، اچ اند اس مدیا، لندن، ۱۳۹۵ش.

فردوست حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۶ش.
قانعی فر عرفان، در دامگه حوادث / بررسی علل و عوامل فروپاشی حکومت
شاهنشاهی گفتگو با پروژ ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک، شرکت کتاب، ۱۳۹۰ش.
پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.

پایگاه اطلاع رسانی بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری.

پایگاه اطلاع رسانی جامع شهید مرتضی مطهری.

پایگاه مرکز بررسی اسناد تاریخی.

پایگاه خبری کیهان.

پایگاه خبری همشهری

خیانت های فرهنگی خاندان پهلوی

محمد حسین اکبری^۱

چکیده:

یکی از مسائل مهم در هر جامعه ای در همه عصر ها بحث فرهنگ آن جامعه است. در حکومت پهلوی خیانت های بسیاری در کشور به وجود آمد که اهم آنها در مسائل اجتماعی و امنیتی و همچنین فرهنگی بود. حکومت پهلوی قصد داشت با ایجاد تغییر در ذائقه فرهنگی مردم آنان را به سمت فرهنگ غرب سوق دهد تا از جامعه اسلامی تبدیل به یک جامعه لائیک شوند. اهمیت بحث را جایی می توان فهمید که با توجه به گذشت چندین سال از حکومت پهلوی غرب به خصوص کشور هایی مانند انگلیس و آمریکا در تلاش هستند که حکومت پهلوی را در زمینه رشد فرهنگی و تعالی جامعه ایران موفق نشان داده و حکومت فعلی جمهوری اسلامی را در این مسیر ناموفق نشان بدهند.

کلید واژه: فرهنگ-خیانت های فرهنگی-خیانت های پهلوی

^۱. طلبه پایه ششم حوزه علمیه امام خمینی (ره) شهرستان خمین

حکومت شاهنشاهی ایران در زمان احمد شاه به ضعیف ترین زمان خود رسید. با توطئه انگلیس احمد شاه به اروپا رفت و دیگر برنگشت و رضا پهلوی در سال ۱۳۰۴ رسماً به عنوان شاه ایران انتخاب شد. یکی از مهم ترین دلایل انتخاب شخص رضاخان توسط انگلیس به عنوان شاه ایران بی سواد و تمایل رضاخان به غرب بود نتیجه این انتخاب این بود که حکومت خود را در اختیار انگلیس قرار داد و امور را به دست افراد بیگانه سپرد.

در زمان رضاخان ایران از لحاظ فرهنگ و مذهب در بدترین شرایط خود قرار گرفت. بی حرمتی به عزای سیدالشهدا(ع) و کشف حجاب و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت از نمونه های آسیب های فرهنگی این دوره میباشد.

با سرنگونی پهلوی اول در سال ۱۳۲۰ پسرش محمد رضا توسط بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به حکومت رسید. محمد رضا در طول ۳۷ سال حکومت خود جنایت ها و خیانت های زیادی از جمله در زمینه فرهنگ انجام داد. اعتیاد جوانان، اشاعه ی فحشا در بین جوانان، تخریب نهاد خانواده با نمایش فیلم های سینمای ضد فرهنگ دینی، از کارهای انجام شده در دوره ی محمد رضا می باشد.

رشد و نابودی هر جامعه ای در گرو فرهنگ آن است. فرهنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم می باشد (فرهنگ معین، ذیل فرهنگ). در گذشته فرهنگ را برتر از گوهر و نژاد می دانستند. از همین رو با مطالعه دوره ها باستانی در می یابیم که هنرهایی چون نقاشی و موسیقی یا سوارکاری و تیراندازی را هم جزء فرهنگ خود می دانستند (بهمردی، ایننا)

پابندی مردم نسبت به انجام دستورات دینی و انجام مراسمات سنتی و آمیختگی آنها با یکدیگر همواره سدی بزرگ در برابر حاکمان تاریخ بوده است. آنان سعی داشتند با رسوخ در این آیین و سنت‌ها علاوه بر کسب اعتبار برای حکومت خود علائق و دستورات هم‌سو با حکومت خود را به مردم تحمیل کنند و طبعی است که مردم در برابر این تغییر مقاومت می‌نمودند.

با روی کار آمدن پهلوی مبارزه با فرهنگ ایرانی اسلامی مردم هم آغاز شد. منع عزاداری برای سیدالشهداء (علیه‌السلام) کشف حجاب و رواج پوشش غربی جهت متمدن سازی جامعه ایرانی از جمله اقداماتی بود که این دوران تاریخ را به میدان مبارزه مردم با حاکمان برای حفظ فرهنگشان تبدیل کرد.

این نوشتار با اشاره به چند نمونه از فعالیت‌های ضد فرهنگی خاندان پهلوی در جهت تغییر فرهنگ مردم ایران پرداخته تا خواننده خود در یابد که آیا در عصر پهلوی نسبت به رشد مولفه‌های فرهنگی جامعه کار مفیدی انجام شده است یا به اسم فعالیت فرهنگی همان فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی مردم ایران مورد تهدید و نابودی و انحطاط قرار گرفته است.

۱. خیانت های فرهنگی انجام شده توسط خاندان پهلوی

با توجه به گستردگی امور و عناصر تشکیل دهنده فرهنگ جامعه ایرانی و برای رعایت اختصار و دوری از طولانی شدن این نوشتار فقط به چند نمونه از فعالیت‌های به ظاهر فرهنگی که دارای تاثیر گذاری بیشتر و مورد توجه خاص حکومت پهلوی قرار گرفته بود می‌پردازیم.

الف: خیانت های صورت گرفته در زمینه فرهنگ دینی جامعه ایرانی

۱-۱. ترویج بهائیت:

بهائیان منشأ آیین خود را در ظهور سید علی محمد باب که در سال ۱۲۲۳ شمسی در شیراز ظاهر شد می دانند. باب اظهار داشت که او یک فرستاده الهی است و مأموریت آماده سازی مردم برای ظهور قریب الوقوع موعود همه ادیان را دارد. وی لقب باب (به معنی دروازه) را برای خود برگزید بده این معنا که او حامل ظهوری الهی است.

در دوره پهلوی بهائیت فرصت مناسب جهت تبلیغ پیدا کردند و توانستند حتی تا بعضی از مناصب حکومتی نفوذ کنند مانند اسدالله علم که تا نخست وزیری ایران هم پیش رفت.

مبلغین بهایی، آزادانه در شهرها و روستاها تردد و توسط زنان زیبا، علنا مردم مسلمان را به کیش بهائیت دعوت می کردند تا بتوانند جوانان را بیشتر جذب کنند. اقدامات دکتر برجیس بهایی در کاشان در بی احترامی به قرآن و هتک ناموس مردم و تبلیغ بهایی گری در آن سالها داستانی افسانه ای شده بود. بهائیه در سرتاسر کشور با تأسیس محفل ها عده ای از مردم ساده لوح را دور خود جمع کرده و به اصطلاح آنها را بهایی کرده بودند. در تهران نیز مرکزی بزرگ به نام «حظیره القدس» داشتند که گنبد و تالاری بزرگ داشت. بهائیان چنان در بدنه حکومت نفوذ کرده بودند که حتی پزشک مخصوص شاه افسری بهایی به نام «سپهد عبدالکریم ایادی» بود. ایادی چنان

مورد توجه دربار بود که هر روز به دربار می‌رفت و از ثریا ملکه ایران دیدن می‌کرد (محمودی، ص ۶۷).

رفتار گستاخانه بهائیان، تبلیغ و ترویج بهائیت بین مسلمانان، نفوذ و گسترش آنها بین سازمانهای دولتی موجی از حساسیت و مخالفت را بین مردم ایران برانگیخت و مردم با ارسال طومارهای مفصل و بسیار از شهرهای مختلف به آیت الله بروجردی پناه آوردند. به گفته مرحوم فلسفی: «آیت الله بروجردی در یک فشار شدید افکار عمومی واقع شده بود. مرتبا از ولایات نامه می‌آمد که مثلا فرماندار اینجا بهایی است و یا رئیس فلان اداره بهایی است و چه‌ها که نمی‌کند».

از نمونه‌های اقدامات زشت بهائیان، واقعه ۱۳ دی ۱۳۲۸ ابرقو بود. در این واقعه چند نفر بهایی به خانه پیرزنی شیعی که بر اعتقادات خود پای می‌فشرد شبانه حمله می‌کنند و شش نفر را به طرز فجیعی به قتل می‌رسانند (حسینی، ص ۱۲).

شاه در ۱۴ آبان سال ۵۷ در آن نطق رادیو و تلویزیونی که پخش شد به صراحت گفت: «من اعتراف می‌کنم که ما فاسد بودیم. ما فساد را در جامعه توسعه دادیم. من اعتراف می‌کنم خانواده من در این فساد دخالت داشتند. من اعتراف می‌کنم ظلم کردیم. من اعتراف می‌کنم ما وابسته بودیم، لذا قول می‌دهم از این به بعد جبران کنم.» این نطق تنها به این امید بود که فکر می‌کرد مردم این حرف را باور کنند و به این ترتیب از صحنه خارج شوند (کرباسی، ص ۱۶۵).

۲-۱. کشف حجاب

رضاخان پس از سرکوبی خونبار مخالفان و تثبیت پایه های قدرتش، از سوی انگلیس مأموریت یافت فرهنگ اسلامی را از صحنه زندگی مردم خارج کرده، فرهنگ غرب را جانشین آن نماید. این «مأموریت» و عدم استقلال رضاشاه در تصمیمات ضد دینی مورد تاکید حضرت امام بوده است. دستور کشف حجاب و اجبار مردان به پوشش غربی از برنامه‌هایی بود که رضاخان پس از سفر ترکیه در این راستا صادر کرد.

(در خرداد ۱۳۱۴، یک روز رضاخان هیأت دولت را احضار کرد و گفت باید در قدم اول کلاه‌ها تبدیل به شاپو بشود... و نیز باید شروع به رفع حجاب زن‌ها نمود و چون برای عامه مردم دفعه‌تاً مشکل است اقدام کنند، شما وزرا و معاونین باید پیش قدم بشوید و هفته‌ای یک شب با خانم‌های خود در کلوپ ایران مجتمع شوید... و به حکمت وزیر فرهنگ دستور داد که در مدارس زنانه معلمان و دخترها باید بدون حجاب باشند و اگر زن یا دختری امتناع کرد او را در مدرسه راه ندهند.) (عیوضی، ص ۹۶).

نهایتاً قانون کشف حجاب در ۱۷ دی ماه همان سال ابلاغ و با خشونت بسیار اجرا شد. در خاطرات صدرالاشراف آمده است: «در اتوبوس زن با حجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبان‌ها از اهانت و کنک زدن به زن‌هایی که چادر داشتند با نهایت بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذار نمی‌کردند. حتی بعضی از مأمورین به خصوص در شهرها و دهات زن‌هایی که پارچه روی سر انداخته بودند اگرچه چادر معمولی نبود از سر

آنها کشیده و پاره می کردند و اگر زن فرار می کرد او را تا توی خانه اش تعقیب می کردند و به این هم اکتفا نکرده اتاق زن ها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده اگر چادر از هر قبیل می دیدند، پاره می کردند یا به غنیمت می بردند (منصوری، ص ۱۱۳).

نقل های بعضی از شاهدان عینی کشف حجاب می تواند پرده از این واقعه شوم بردارد.

مونس احسنی نقل می کند که در یک بعد از ظهری همراه با مادر بزرگم در یکی از خیابان های تهران بودیم که آژانی جلویمان را گرفت و روسری او را از سرش کشید و زیر چکمه هایش تکه تکه اش کرد.

توران خوانساری نقل می کند که سر هر کوچه پاسبانی می ایستاد و چادر زنان را بر می داشتند و زیر چکمه هایشان می کشیدند تا پاره شود.

مهدی اخوان نیلچی نقل می کند که زنی دوان دوان خودش را رساند به کوچه آژانی سوار بر اسب به سرعت وارد کوچه شد طولی نکشید که صدای جیغ و فریاد زن با شیهه اسب در هم پیچید. زن داد میزد و از ته دل آژان را نفرین می کرد: «خیر نبینی مرد. خیر نبینی.»

آژان ها در تمام شهر پخش شده بودند که مبادا زنی بتواند با چادر از کوچه یا خیابانی عبور کند توی محله ها می گشتند و چادر و روسری از سر زن ها می کشیدند و پاره می کردند.

سید علی اصغر میر سعیدی به نقل از مادر خانمش نقل می کند که: خانه ما توی کوچه احرام باف ها بود همین چند وقت پیش بود که مادرم در حال رد شدن بود که چادرش را کشیدند و گذاشتند زیر پا و پاره پاره کردند. از همان روز به بعد هر روز حال مادرم بدتر می شد. طبیب می گفت قهره کرده. می گفت خیلی ترسیده. مدت زیادی دوام نیاورد. روزی دیدم دیگر نفس نکشید. هر آژان به چشم من قاتل بود تمام کودکی ام در بی مادری گذشت (دره گزنی، ص ۵۴).

۱-۳. منع عزاداری

رضاخان با علم به ظرفیت والای عزاداری محرم در مبارزه با جور و نیز عمق ارادت قلبی مردم ایران نسبت به این مکتب در سال های منتهی به پادشاهی خود منافقانه پیش قراول عزاداری بود: «در روز عاشورا نیز رضاخان میربنج دسته قزاق را با یک هیئت از صاحب منصبان در جلو و افراد و بیرق ها و کتل با نظم و تشکیلات خاصی از قزاق خانه حرکت و از میدان توپخانه خیابان ناصریه به بازار آورد در حالی که سردار سپه با یقه باز و روی سرش کاه و بیشتر دسته بر سرشان گل مالیده بودند، با پای برهنه وارد بازار شدند.

آخر اسفند ۱۳۱۴ شمسی، پهلوی اول دستور منع عزاداری ها را صادر می کند. این دستور دو روز مانده به نوروز سال ۱۳۱۵ شمسی طی بخشنامه محرمانه ای در وزارت داخله به استانداران ابلاغ می شود.

او در پاسخ به نامه ستاد ارتش درباره چگونگی برخورد با مراسم ایام محرم در مساجد و تکایا چنین می نویسد: «البته باید روضه خوانی کنند و ممانعت نمی شود، ولی

روضه خوانی باید در مساجد و تکایا باشد، آن هم مرتب و با قاعده و در روی نیمکت ها مستمعین بنشینند و آقایان محدثین و متخصص، روضه خوانی کنند. سینه زنی و از این قبیل کارهای سابق به کلی ممنوع است.»

این شکل از عزاداری بیشتر یادآور حضور مسیحیان در کلیسا برای عبادت بود و سنخیتی با اسلام و شکل هویتی آداب ایرانیان نداشت. در محرم سال بعد مردم شاهد کاهش تعطیلات محرم از چهار به سه روز بودند و چند روز پس از ابلاغ قانون کشف حجاب در اسفندماه ۱۳۱۴ قانون ممنوعیت به راه انداختن دسته سینه زنی و محدود بودن عزاداری به روضه خوانی در تکیه ها و مساجد ابلاغ شد. دوسال بعد با هدف خرافه زدایی از میان مردم، روضه خوانی نیز ممنوع شد. مخالفت با مراسم عزاداری تا آنجا رسید که کاروان شادی (کارناوال) در ایام عاشورا به راه انداختند و صنوف مجبور شدند در برپایی این کاروان ها شرکت و هر صنفی دسته خود را شرکت دهد. تا جایی که در اواخر حکومت رضاخان حرکت کارناوال ها مصادف بود با شب عاشورا و دسته های رقاصه ها با ساز و آواز به پایکوبی و رقص در شهر به گردش درمی آمدند. از خاطراتی که مردم از مشکلات پرپایی عزاداری ماه محرم نقل کرده اند به خوبی می توان اوضاع آن زمان را درک کرد.

حاج حسین ابوالفضلیان پیرغلام تکیه کرمانی ها این چنین نقل می کند:

می رفتیم نظمیه مجوز برگزاری مجلس روضه می گرفتیم تکیه کرمانی ها آن قدر بزرگ بود که دیگر هیئت های مشهد هر سال روز عاشورا به احترام ما بیرون نمی آمدند. صبح روز عاشورا اول دسته زنجیرزن و سینه زن بیرون می رفت، بعد گروه شبیه خوانی.

از سال ۱۳۱۴ که عزاداری به شکل سابق ممنوع شد و هرکس روضه داشت باید به نظمیه می‌رفت و درخواستی می‌نوشت تا اجازه برگزاری مجلس بدهند. وقتی هم که مجلس برگزار می‌شد دو آژان با کلاه شاپو می‌آمدند برای نظارت. یعنی در مجلس می‌نشستند تا احیاناً کسی حرفی علیه حکومت نزنند. ناگفته نماند که عزاداری در آن دوران تنها به روضه خوانی محدود شده بود و کسی حق سینه زنی و زنجیر زنی نداشت. خاطره حاج جواد مسلمانزاده پیر غلام تکیه کرمانی‌ها چنین است که:

رئیس شهربانی با ما راه می‌آمد دوره رضاشاه را چندان به خاطر ندارم اما شنیده‌ام که تا زمان چادربرداری روضه آزاد بوده و بعد از آن با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است. دهه ۳۰ ما مشکلی در برگزاری مراسم مذهبی نداشتیم. تعزیه که برگزار می‌کردیم وسایل و سلاح را خود ارتش در اختیارمان قرار می‌داد حتی تعزیه تکیه کرمانی‌ها آن قدر بزرگ بود که ۲۰۰ سرباز ارتش آن را همراهی می‌کردند تا مشکل و اغتشاشی پیش نیاید. سرتیپ رستگار رئیس شهربانی مشهد همیشه با چند سرباز می‌آمد در مجلس روضه می‌نشست. آخر مجلس هم می‌رفت. یک‌بار آمد پرسید که غذا چه دارید. ما همیشه بعد از مراسم آبگوشتی درست کرده، با آن از عزاداران پذیرایی می‌کردیم. آن روز هم گفتم که آبگوشت داریم. به سربازان همراهش گفت شما اگر می‌خواهید، برگردید. من دوست دارم امروز در مجلس امام حسین (ع) غذا بخورم. در دستگاه حکومتی آدم متدین و معتقد هم پیدا می‌شد و همین کارمان را پیش می‌برد. معتقدم که آقا خودش اسباب عزا را فراهم می‌کرد و هیچ وقت نشد که ما به مشکل برخورد کنیم. (shahraranews.ir /fa/news)

۴-۱. سینما

هنر در روال طبیعی خود، ابزاری برای شناسایی و نیز باز تولید و توسعه هر فرهنگ به شمار می رود و به نوعی آینه و عصاره فرهنگ جوامع می باشد. هنر سینما در دوران پهلوی اما جنبه ای کاملاً حکومتی یافت و پهلوی با صرف هزینه های برنامه ریزی شده آن را ابزاری برای مسخ فرهنگی جامعه و دین زدایی تبدیل نمود.

حکومت پهلوی تلاش بسیاری کرد که مردمی که تا آن زمان از فیلم و سینما چیزی نمی دانستند را به سینماها بکشاند. بیشترین قشری را که حکومت برای تغییر فرهنگ توسط سینما هدف گذاری کرده بوده جوانان بودند. از مهم ترین ویژگیهای سینمای ایران در عصر پهلوی ارائه تعریفی جدید از روابط میان افراد جامعه بود. خانواده در بسیاری از ملودرام های ایرانی واحدی کوچک و آسیب پذیر نشان داده می شد تا بی اعتمادی به این نهاد علاوه بر فروپاشی آن به بازتاب ناپایداری سیاسی و اجتماعی در جامعه ختم شود. نمونه های این سیاست سینما را می توان در غیبت پدر در خانواده در فیلم گلنار، فرار بچه ها از خانه در فیلم فرشته وحشی، کشته شدن شوهر توسط همسرش در فیلم اشتباه و فیلم عروس فراری جستجو کرد. در همه فیلمهای این دوره دو نوع شخصیت زن ترسیم می شد زنی که نماد پاکدامنی است و زنی که بیشتر وظیفه سرگرمی و عشرت مردان را دارد. از آنجایی که دهه سی به نوعی مبنای فعالیت سینما در دو دهه بعدی قرار گرفت شاهد رویارویی سنت و مدرنیته به ویژه در نقش بازیگران زن هستیم. در این سالها برای نخستین بار ژانر زنان خواننده و رقص وارد سینما شدند و شیوه زندگی تجملی بدون خانواده و فرزند خود را برای زنان ایرانی به

نمایش گذاشتند. علاوه بر زنان تصویری که سینما عمدتاً از مردان ارائه می کرد مردانی فریفته، قمارباز و مشروب خوار بود که بود که سرانجام خانواده های خود را رها کرده و دچار جرم و جنایت می-شدند.

در این فیلم ها هر چیزی که به نوعی با دین، فرهنگ و مذهب ارتباط داشت به سخره گرفته می شد. فیلم سخیف «محلل» ساخته نصرت کریمی که با هدف تحقیر احکام اسلام به پرده رفت مثنی از خروارها فیلمی بود که در این دوران به نمایش گذاشته شد. در فیلم های سینمای پهلوی علاوه بر سخیف و تهی بودن فیلمنامه آنچه محوریت می یابد ترویج عامدانه و اغراق آمیز صحنه های مبتذل است. سعید کنگرانی بازیگری که در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ ناگهان به یک فوق ستاره تبدیل شد در مصاحبه ای مبسوط پرده از گوشه ای از اقدامات عامدانه رژیم در ترویج ابتذال در سینما برداشته است. وی می گوید: «وقتی سیستمی می خواهد فساد را طبق دستور یا دکتروینی وارد فرهنگ سرزمینش کند سینمای آن هم فیلم چشمه «آربی آوانسیان» می شود که در آن یک بازیگر زن را عریان می کند کاری که در سینمای ما سابقه نداشت و برایش خیلی زود بود. دقیقاً دست هایی در کار بود که مثلاً دخترهای فراری را که قبلاً وارد سیستم روسپی گری می شدند وارد سینما کنند. یکی دو تا هم نبودند. کمپانی های موسیقی استودیوهای مختلف با هم می گذاشتند و دستور از بالا می رسید. مثلاً آقای هویدا وقتی به سندیکای بازیگران یا تهیه کنندگان می رفت این ها برای اظهار غلامی و نوکری شاه نقششان را زمین می زدند چون می دانستند امریه ای آمده که این دکتروین باید اجرا شود

سینما در طول فعالیت بیش از ۷۰ ساله خود از زمان مظفرالدین شاه تا پهلوی دوم تغییرات شگرفی را تجربه کرد و از یک فعالیت ابتدایی به صنعتی پرسود مبدل گشت. بیشترین تغییرات در سینمای ایران در سال-های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ داد. در این دوره ساختن فیلم-های شبه تاریخی و نمایش وفاداری به شاهان نشان از تلاش حکومت در مشروعیت سازی خودش داشت و سیاست های اعمال سانسور با شدت و جدیت دنبال می شد. با اصلاحات ارضی و برهم خوردن نظام ارباب - رعیتی بسیاری از فیلم های سینمایی به تقابل شهر و روستا و زندگی سنتی با ظواهر شهری پرداختند و در نهایت سینمای ایران به فیلم های جنایی دهه چهل رسید که بی ارتباط با شکل گیری و فعالیت های ساواک نبود

در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ جریان موج نو متناسب با تحولات سیاسی - اجتماعی پیش از انقلاب ایران شکل گرفت که محصول آن تولید آثاری هرچند اندک اما مرتبط با اوضاع واقعی جامعه ایرانی با ویژگی های مضمونی و بصری متفاوت از گونه های تجاری بود. سینمای ایران در این تحول چند دهه ای هرچند در ارائه تصویری واقعی از زندگی روزمره مردم ناکام ماند اما سهمی بسزا در تحول نهاد خانواده داشت و از سه منظر اخلاقی، تربیتی و تلاش برای تغییر الگوی خانواده، بنیان خانواده ایرانی را تضعیف کرد. به همین دلیل بود که از سینمای ایران در این دوره به لانه فساد تعبیر می شد.

((<https://article.tebyan.net/462734>

۱-۵. باستان گرایی :

حذف فرهنگ و عقاید اسلامی نیازمند جایگزینی هماهنگ با اهداف نظام وابسته و سلطه استعماری است. از این رو تاریخ و فرهنگ ایران باستان به شکل گزینشی ایدئولوژی نظام سلطنت پهلوی قرار گرفت. انتخاب نام پهلوی، بازسازی و احیای ابنیه ویران و نیمه ویران پیش از اسلام، تکیه بر ناسیونالیسم (ملی گرایی) و از این بین بردن هویت دینی و افراط در میهن پرستی و احیای آداب و رسوم زرتشتی، حذف کلمات عربی، گسترش کاربرد لغات فارسی نامأنوس و فراموش شده، تغییر تعدادی از متون درسی، تحقیر و توهین به نمادهای مذهبی و ایجاد تغییرات و تحریفات زیاد در کتاب های تاریخی، از جمله اقداماتی بود که در این دوران با شدت پیگیری شد. فرهنگ ایران باستان دو کارکرد و هدف متفاوت برای حکومت پهلوی داشت. درهدف اول به نادیده گرفتن هویت و ارزش های اسلامی پرداخت و درهدف دوم با حذف خرده فرهنگ ها، قومیت ها و نمادهای آنان به دنبال یکپارچه سازی فرهنگ و هویتی جدید بود.

فرایند شبه ترقی غرب گرا در دوره پهلوی با تأکید بر الگوی باستان گرایی استمرار یافت. از این حیث فرایند هویت خواهی این دوره با دوره قاجاریه و روند وابستگی به غرب آمیزه ای از سه محور باستان گرایی، تجدد گرایی و مذهب زدایی بود. به طور کلی اقدامات فرهنگی رضاشاه بر سه محور ناسیونالیسم باستان گرایی، تجدد گرایی و مذهب زدایی قرار داشت.

در محور نخست وی با ترویج باستان گرایی افراطی با تأکید بر یکتایی نژاد آریایی و پرداختن به تاریخ شاهان قدیم و نشان دادن عظمت آنان و همچنین بازسازی آثار باستانی که به زعم شاه، سیمای درخشان تمدن پرشکوه ایران کهن بود پرداخت.

در محور دوم با تجدد گرایی و تضعیف ارزش های دینی تلاش کرد تا بخشی از برنامه های نو سازی فرهنگی دولت را آغاز کند زیرا از نظر او تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی مانعی جدی برای فرآیند غربی سازی است. از این رو دولت مردان رژیم سلطنتی با رواج بی قیدی و تحقیر نهادهای دینی و سنت های ملی مبارزه خود را علیه مذهب آغاز کردند. حضور میسیون های مذهبی، تأسیس مدارس جدید به سبک اروپایی، تأسیس کانون ها و انجمن های روشنفکری، ترویج بی حیایی در میان زنان، کشف حجاب بانوان و نیز تغییر نظام آموزشی، از جمله فعالیت هایی بود که در این دوره با اهتمام جدی انجام شد. جملگی این اقدامات و اصلاحات فرهنگی برای ایجاد هویت جدید با تأکید بر ناسیونالیسم (ملی گرایی) در محور سوم جای می گیرد. در واقع درک دولت نوگرا از تمدن جدید سلوک و رفتار تجددمآبانه و تغییر در ظواهر بود، نه شکوفایی اندیشه و فرهنگ. بی شک در همین راستا بود که همسان سازی فرهنگی و رؤیای رسیدن به تمدن اروپایی نخبگان غرب زده ایرانی را بر آن داشت تا به تغییر در پوشاک و کشف حجاب زنان روی آورند.

در این دوران حکومت با استفاده از قدرت عریان خود کوشید تا عنصر ایرانی باستان گرایانه و شبه غربی را تقویت کند و آن را در جامعه بگسترد و از این سو عنصر اسلامی را نیز هرچه بیشتر بزدايد این در حالی بود که جامعه ایران برخلاف این جریان

هیچ گاه حاضر نشد هویت ایرانی باستان گرایانه را به جای اسلام شیعی بپذیرد. این تعارض در عصر پهلوی دوم نیز با شدت بیشتری ادامه یافت اما شرایطی که پهلوی دوم در آن روی کار آمد از نظر بین المللی با گذشته تفاوت هایی داشت آن گونه که وابستگی فکری وی به ترقی غربی با رویکرد جدید در ایران دنبال شد که این خود زمینه های وابستگی هرچه بیشتر به غرب را فراهم نمود (عیوضی، ص ۱۱۶).

۱-۶. گسترش فرهنگ غرب

حکومت پهلوی برای رسیدن به پیشرفت و تمدن کشورهای غربی از همه راهکارهای دیکته شده توسط آنها بهره می جست. اجرای طرح ها و برنامه های فراماسونری در تمامی زمینه های اجتماعی، فرهنگی، هنری، معماری، شهرسازی، لباس، قوانین و مقررات با هدف تداوم سلطه استعماری و از بین بردن زمینه های استقلال و هویت ملی و دینی صورت گرفت. آتاتورک مجری اهداف انگلیس در امپراتوری عثمانی و تأسیس ترکیه لائیک و سکولار الگوی انگلیس و رضاشاه در ایران بود. بنابراین رضاشاه پس از سفر به ترکیه دستور داد بسیاری از کارهای انجام شده به دست آتاتورک در ایران نیز به اجرا درآید (عیوضی، ص ۲۰۴). گام بعدی در راستای ایجاد دگرگونی در صورت بندی های اجتماعی تحول در نظام آموزشی کشور بود. ازسوی شورای عالی معارف نظام آموزشی مدارس فرانسه به عنوان الگوی مدارس ایرانی پذیرفته شد و بدین ترتیب آموزشگاه های جدید، هنرستان های صنعتی و دانش سراهای مقدماتی و عالی به همراه معلمان اروپایی به شکل مختلط تأسیس گردید. به طور کلی سازمان های مذکور به سه منظور پی ریزی شد: یکی آماده سازی اذهان عمومی برای

پذیرش تغییرات سیاسی و اجتماعی و همسو شدن با آن و سعی در القای برخی مفاهیم مانند شاه پرستی و میهن دوستی؛ دوم ارائه تحلیل هایی برای توجیه عملکرد نهادهای حکومتی و سوم نیز ایجاد یکپارچگی فکری در میان مردم و نفی فرهنگ بومی.

مخالفت روحانیان و بسیاری از طبقات جامعه با قانون اتحاد لباس و مقابله با سیاست کشف حجاب که نمونه بارز آن قیام مسجد گوهرشاد بود و نیز ستیز با ایدئولوژی فرهنگی و سیاسی رضاشاه که در قالب نثر یا شعر از سوی بسیاری از روشنفکران تجلی یافت جملگی نمودار عدم پذیرش فرهنگی است که رضاشاه بر ایرانیان تحمیل نمود. بی شک پس از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی بی اعتنایی نسبی به پهلوی دوم و توجه به مجلس نشان دهنده نارضایتی از رضاخان بشمار می رود.

الگوی پیشرفت و تمدن سازی غربی در عصر پهلوی دوم نیز دنبال شد اما با توجه به مقتضیات و شرایط ایران پس از جنگ جهانی دوم و مطرح شدن موضوع توسعه از یک سو به دلیل وابستگی فکری و عملی و از سوی دیگر با توجه به فشار غرب برای انجام برخی برنامه ها در ایران شاهد اجرای برنامه های توسعه در این کشور هستیم (عیوضی، ص ۲۲۵).

از دیدگاه تحلیل گران و دولتمردان غربی نارضایتی های اقتصادی موجود در ایران ممکن بود زمینه را برای نفوذ کمونیسم در این کشور فراهم نماید. نظریه پردازان غربی بر این باور بودند که برای پیشگیری از چنین رویدادی کشورهای جهان سوم به ویژه ایران باید روند توسعه را بپیمایند. آنان بر این باور بودند که مدرنیزاسیون کردن ایران به کمک الگوهای پیشنهادی غرب می تواند افزون بر وابستگی بیشتر کشور به غرب

موجب کاهش نارضایتی های موجود در جامعه نیز شده و از نفوذ کمونیسم در کشور ممانعت به عمل آورد در همین راستا همانند دو دوره پیشین برخی روشنفکران اثرگذار بر دولت در راستای ترقی و برون رفت از مشکلات اجتماعی استفاده از الگوهای غربی را پیشنهاد نمودند.

سیاست های توسعه و ترقی خواهی با الگو و ساختار اجتماعی فرهنگی غرب صورت می گرفت. این سیاست ها برای رسیدن به توسعه باید فرهنگ و ارزش های جامعه ایران را هدف قرار می دادند تا بتوانند فرهنگ موجود را متناسب با فرهنگ توسعه غربی به پیش ببرند. برای این منظور ایجاد تحولات فرهنگی از سوی مجریان برنامه توسعه امری ضروری بود. بنابراین پهلوی دوم در راستای پیشبرد اهداف توسعه تلاش کرد تا با هویت سازی جدید و به چالش کشیدن هویت فرهنگی پیشین زمینه را برای چنین تغییری در فرهنگ ایجاد نماید. برپایه این نگره می بایست آنچه با الگوی غربی توسعه همسان نبود کنار نهاده می شد و با استفاده از هویتی جدید، از یک سو مقدمات مشروعیت بخشی به خود و ازسویی دیگر زمینه اجرای الگوهای تحمیلی توسعه در ایران فراهم می گشت تا ایران همسو با منافع غرب پیش رود.

۲. خیانت های صورت گرفته در زمینه فرهنگ اجتماعی جامعه ایرانی

۲-۱. ایجاد فاصله طبقاتی

در اغلب آثار جامعه شناختی از مؤلفه هایی مثل درآمد، شغل، تحصیلات و یا سابقه اجتماعی بعنوان شاخص های اصلی طبقات اجتماعی استفاده می شود. ناهمگنی جامعه ایرانی (قبیله ای، شهری، روستایی)، نقش تعیین کننده مذهب در ساختار

اجتماعی، عدم توسعه کامل صنعتی و وجود مشکلات تئوریک در شاخص های درآمد، شغل و تحصیلات فاصله طبقاتی بین افراد جامعه را تعیین می کند.

یکی از شاخص های مهم در بررسی طبقات اجتماعی در ایران قدرت است که به صورت چهار رکن اساسی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی معرفتی و اجتماعی ظهور پیدا می کند. در جامعه ایرانی سالیان دراز صاحبان اصلی قدرت و ثروت زمین داران، تجار و رمة داران و صاحبان زور بودند. عده ای با استفاده از شبکه پیچیده اجتماعی و عشیره ای وعده ای با اقتدار سازمانی و حاکمان نظامی و مدیران اجرایی وعده ای با قدرت تفسیر متون دینی و معارف بشری و در دوران جدید با قدرت علم ابزاری به ترتیب قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی معرفتی را در دست دارند. ائتلاف این قدرت و روابط آنها در درون خود و با یکدیگر شبکه پیچیده اجتماعی را بوجود آورده است که بصورت ارباب و رعیت یا کارگر و کارفرما، فرادست و فرودست، مرجع و مقلد، استاد و شاگرد یا خواص و عوام رخ نموده است.

اقدامات رضا شاه در شبه نوسازی که عمدتاً همراه با حذف علما و خوانین ایلات از قدرت سیاسی بود، تغییراتی در ساختار طبقات بوجود آورد. کم-کم افرادی از طبقه متوسط در دستگاه دیوان سالاری و ارتش جدید به استخدام درآمدند که بدلیل وابسته بودن به آموزش های جدید از صاحبان حرف گذشته متفاوت بودند. رضاشاه با مالکان کشاورزی برخورد دوگانه ای داشت ابتدا با آنها درافتاد ولی پس از آنکه خود یکی از بزرگ مالکان کشاورزی شد، با آنها مصالحه کرد و حق و حقوق آنها را پذیرفت

(ملیکف، ۱۳۵). لکن بدلیل دستیابی به قدرت مطلق و خودکامگی نه-سرمایه و نه اندیشه و تفکر و نه دین و حتی مدیران نزدیک او در امنیت نبودند (کاتوزیان، ص ۸۶). در این دوره روحانیون علی‌رغم محدودیت‌هایی که داشتند نفوذ خود را در توده مردم حداقل در قالب رابطه مقلد و مرجع حفظ کرده بودند و حتی شاید چون دین زدایی و برنامه های شبه‌نوسازی بدون مشارکت مردم و بزور به آنها تحمیل می‌شد قدر و منزلت علما در نزد آنها محفوظ مانده بود. البته نویسندگان متفکرین و روشنفکرانی بودند که ایدئولوژی ناسیونالیسم افراطی و حتی سوسیالیسم را پذیرفته و به توجیه نظام رضاخانی می‌پرداختند. گرچه بعضی از آنها طعمه خودکامگی رضاخان شدند اما شاید بیش از هر کس دیگری این نیروهای نظامی و دستگاه دیوان‌سالاری جدید بودند که پایه‌های حاکمیت رضاخان را تقویت می‌کردند که حدود سه درصد از نیروی انسانی این دوره را تشکیل می‌دادند. هسته مرکزی این نیرو را تحصیل کرده های خارج از کشور و دانشگاه جدید التأسيس تهران تشکیل می‌داد. در ضمن رضا شاه بعد از قلع و قمع مخالفان برای تثبیت موقعیت خود و بدست آوردن اقتدار اجتماعی با خانواده های قدیمی و بزرگ مالک مانند خانواده قوام و علم و نیز با بختیاری‌ها پیوند خویشاوندی برقرار کرد. گرچه عواید نفت از همین دوره است که وارد معادلات اقتصادی جامعه ما می‌شود، لکن هنوز تولیدات کشاورزی یکی از اقلام مهم صادرات غیر نفتی بود و بنابراین خانواده های بزرگ مالک و خوانین قبایل که قسمت عمده مازاد تولید کشاورزی را در دست داشتند از اهمیت و اعتبار اجتماعی برخوردار بودند. به دلیل استقبال مالکان، نظامیان و مدیران اجرایی از سرمایه‌گذاری در بخش

صنعت و خدمات در سالهای بین ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ بر تعداد سرمایه داران غیر کشاورزی و کارگران شهری (صنعتی و خدماتی) افزوده شد. از طرف دیگر بر اثر گسترش دستگاه اداری بر تعداد کارمندان اداری اضافه شد و با شروع مهاجرت از روستا به شهر در سالهای پس از جنگ جهانی دوم از کارگران کشاورزی کاسته و به کارگران شهری و کارمندان اداری افزوده شد. کاهش صاحبان حرفه‌های مستقل در سال ۱۳۴۵ تشدید استفاده از کالاها و مصنوعات خارجی بجای مصنوعات و صنایع دستی را به دنبال داشت (مقدس، ص ۶۴). نتیجه این طبقات ایجاد شده در جامعه فقر به شدت زیاد در بین مردم بود به صورتی که مردم دو دسته بودند که یا فقیر و یا غنی بودند. قشر فقیر کف جامعه در حلبی آبادها و افراد غنی هم در خانه‌ها و ویلاهای بسیار زیبا و مجلل زندگی می‌کردند (احمدی، ص ۱۲۰، صمیمی، ص ۱۷۴، راجی، ص ۹۵، عابدی، ص ۲۵۶).

۲-۲. تغییر در پوشش مردم

پوشش اقوام ایرانی ریشه در آیین آنها دارد. آنان همواره از پوشش کامل و لباس‌های آراسته به همراه زیورآلات و تزئینات کار دست خودشان استفاده می‌کردند. زیبایی هنر ایرانیان در نوع پوشش درباریان و مردم را می‌توان در دوره‌های مختلف باستانی به یادگار مانده مشاهده کرد.

در دوره‌ی پهلوی دوم پوشش و سبک زندگی مردم بعد از خفقان دوره‌ی قاجار و جبر و زور پهلوی اول سمت و سوی فرهنگ غربی به خود گرفت. این گرایش به ارزش‌های نوظهور توانست سلیقه‌ی مردم را در اثر روابط ایران با کشورهای غربی و

اروپایی تغییر دهد. پوشش آزادانه‌ی مردم در دو دوره پهلوی شکاف عمیقی را بین مردم با حجاب و بی حجاب ایجاد کرد. در این میان از نقش و الگو سازی زنان شاه و خانواده سلطنتی در گسترش پوشش غربی نباید غفلت کرد. زنان و دختران جوان طبقات متوسط جامعه نیز مشتاقانه پیرو زنان درباری بودند تا برای استایل های خیابانی خودشان از آنها الهام بگیرند. (عاقلی، ص ۳۴۱). تاج الملوک مادر محمدرضا در آن زمان شرایطی را فراهم کرد تا عده‌ای از زنان بتوانند با وارد کردن مجلات خارجی الگوهای اروپایی را به پوشش زنان اضافه کنند همچنین با دعوت از خیاطان غیرایرانی تلاش کرد تا این الگوها را در بین زنان تبدیل به مد روز کند. اشرف خواهر شاه به عنوان یکی از عوامل مهم تجددگرایی و غرب گرایی خاندان پهلوی ورود برندهای معروف پاریسی در آن زمان را به عهده داشت. با فعالیت های او بسیاری از زنان هنرمند و جوان به فرانسه اعزام شدند تا مهارت خیاطی، طراحی لباس و مدلینگ را آموزش ببینند.

فوزیه همسر اول محمدرضا پهلوی، یکی از زنان درباری بود که در تغییر جایگاه زنان در جامعه و اشتغال آنها نقش بسزایی داشت و توانست موسسه‌ای در حمایت از حقوق زنان راه اندازی کند.

ثریا همسر دوم محمدرضا نیز نقش بسزایی در تغییر پوشش و استایل دختران جوان طبق مد اروپاییان داشت (محمدی، ص ۸۹).

در پوشش مردان هم در دی ماه سال ۱۳۰۷ شمسی اتفاق هایی مانند متحد الشکل شدن لباس ها از لباس سنتی به کت و شلوار و کلاه متحدالشکل پهلوی رخ داد. این

قانون هشت طبقه از درجات مختلف روحانیون مسلمان و غیر مسلمان را مستثنا کرده بود و در صورت عدم اجرا خاطیان به جزای نقدی یا حبس محکوم می شدند. قانون لباس متحدالشکل شامل قانون یونیفورم مشاغل و ادارات هم بود. سرسخت ترین مقاومت ها در برابر قانون اتحاد شکل البسه از جانب اقوام محلی ایران رخ داد زیرا آنان لباس را همواره جزء مهمی از هویت قومی و فرهنگی خود می دانستند (واعظ، ص ۳۰۱).

صنعت مد هم در این دوران پیشرفت های قابل توجهی داشت مثلاً دامن های زیر زانو جای خود را به دامن های کوتاه تنگ داد و تاکید بر برهنگی پا بیشتر شد. برش های اضافی از لباس ها حذف و استفاده از لباس های ساده و کوتاه به همراه آستین های حلقه ای رواج بیشتری یافت. در زمینه آرایش و خودآرایی نیز آرایش چشم و داشتن موی کوتاه یا جمع شده در بالای سر مورد تاکید و توجه بیشتری قرار گرفت. به نوعی، پوشش این دوره متأثر از دهه ۶۰ میلادی در آمریکا و اروپا بود که از طریق شوهای تلویزیونی، موزیک ویدئوها و فیلم های سینمایی به صنعت مد ایرانیان وارد شده بود. دهه ۱۳۵۰ گرایش به تقلید از بازیگران و خواننده های محبوب که تابع مدل های اروپایی بودند بسیار به چشم می خورد. تفاوت عمده ای که در پوشش این دوره با دوره های دیگر وجود داشت، استقبال بانوان مانند آقایان، از شلوارهای جین دمپا گشاد بود. بلوزهای تنگ، پولیورهای رنگی و یقه دار، پوشیدن لباس های بسیار رایج، به ویژه شلوار و کت های جین در آن دوره رواج داشت. رسانه ها و جریان متفاوت موسیقی

وسینمایی اثر چشمگیری در تغییر سبک پوشاک مردم این دوره داشتند (درفش، ص ۱۵).

۲-۳. سبک معماری در دوران پهلوی

معماری ایران از اواخر دوره قاجار و شروع دوره پهلوی دچار هرج و مرج و آشفتگی شد. در معماری پهلوی ما شاهد احداث همزمان ساختمان-هایی هستیم که هر کدام بیانگر یکی از مکاتب فکری دوره‌هایی مشخص از تاریخ ایران هستند: کاخ مرمر به تقلید از معماری سنتی و عمارت شهربانی کل کشور به تقلید از تخت جمشید و ساختمان‌های بلدیة (شهرداری) و پستخانه به شمال و جنوب میدان امام (سپه) به تقلید از معماری نئوکلاسیک فرانسه ساخته شدند. در معماری پهلوی تلاش می‌شد که پیوندی بین سه طیف فکری سنت گرایان، غرب گرایان و ملی گرایان به وجود آید؛ ساختمان‌های وزارت امور خارجه، اداره پست، صندوق پس انداز بانک ملی را می‌توان به عنوان نمونه این گونه ساختمان‌های التقاطی نام برد. گرایش‌های متفاوت و بعضاً متضاد معماری این دوره ناشی از اختلاف در گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک این عصر از تاریخ ایران است که ریشه در جریان‌های عقیدتی سیاسی اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی دارد.

عقاید طیف‌های فکری در معماری پهلوی را می‌توان این-گونه بیان کرد:

طیف اول سنت گرایان هستند که اساس تفکر سیاسی و بینش دینی آنها هماهنگی دین با سیاست و احیاء و توسعه سنت‌های هزار ساله جامعه ایرانی بود. پرچمداران این نهضت در آن برهه از زمان شیخ فضل الله نوری بود و بعد از ایشان سید

حسن مدرس ادامه دهنده راه وی گشت. طیف دوم غرب گرایان هستند که اساس ذهنیت آنها به گفته تقی زاده بر تقلید از فرق سر تا انگشت پا از غرب در همه شئون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود. هسته اصلی این گروه را تحصیل کردگان ایرانی تشکیل می دادند که تازه از اروپا به ایران برگشته بودند. طیف سوم ملی گرایان هستند که بنیاد فکری آنها بازگشت به عظمت امپراتوری هخامنشی و ساسانی بود. این گروه فرهنگ اسلامی و فرهنگ اروپایی را غیر ایرانی می دانستند و خواستار بازگشت به فرهنگ آریایی دوهزار و پانصد ساله بودند. نتیجه این انفعال فرهنگی در زمینه معماری عرضه و تکمیل سبک های مختلف معماری اروپا و امریکا در دهه های اخیر به کشور بوده است. با تسلط فرهنگ معماری غرب گرا بر کشور تخریب بناهای سستی در توسعه های جدید شهری و کاروانسراهای قدیمی برای احداث جاده های بین شهری عملی پسندیده و تجدد گرا تلقی می شد. این وضع باعث گردید که بسیاری از بناهای بارزش متروک و یا مخروبه گردد. بناهایی چون کاخ های سعدآباد، کاخ مرمر در تهران و ساختمان مجلل باشگاه افسران، عمارت شهربانی، دبیرستان البرز، کاخ وزارت امور خارجه و سردرب باغ ملی و عمارت پست، نتیجه تسلط فرهنگ معماری غربی هستند. امروزه نیز این معماری بدون توجه به عوامل اقلیمی و پیشینه ی معماری ایرانی هنور ادامه دارد. (نویسندگان، ص ۸۷).

کودتای ۱۲۹۹ شمسی و حکومت نظامیان بستر مناسبی را برای تشکیلات نوین نظامی ایجاد کرد. سیر حرکت نظام به سویی بود که هر چیزی را تحت تأثیر و انقیاد ارتش و نیروی نظامی درمی آورد. این تحول اجتماعی سیاسی توانست قدرت محدوده

شده پادشاه در قانون اساسی ۱۲۸۵ شمسی را از مجلس قانون گذار به پادشاه منتقل کند. رضاخان نیز با کمک این قدرت توانست در یک دوره بیست ساله نظم نوینی بر پایه فعالیت نظامیان در عرصه فعالیت های شهری و عمرانی ایجاد کند. در همین راستا شهرداری تهران در طی یک دوره طولانی به یک نظامی به نام کریم آقاخان بوذرجمهری سپرده شد. تسطیح راه های کشور، ایجاد ساختمان های وسیع و بزرگ دولتی و غیردولتی نظیر تئاتر، سینما و هتل ها در حیطه مدیریت و ساخت نظامیان قرار گرفت. سیاست های معماری این دوران را می توان در این موارد مشاهده نمود:

۲-۳-۱. متفاوت بودن بناهای این دوره با دیگر ساختمان ها:

اکثر بناهای دوره پهلوی تنها و بدون همجواری و همسایگی با دیگر بناها بودند. معمولاً این بناها با یک نمای اصلی گویا خود را حاکم بر دیگر بناها می دانستند نمونه این بناها را می توان در شهربانی ها و شهرداری های شهرهای مختلف آن زمان مشاهده کرد.

۲-۳-۲. سرعت در ساخت پروژه های ساختمانی و عمرانی:

ساختمان ها در دوره رضاشاه از سرعت در ساخت برخوردار بودند. فراوانی ساخت بناها نسبت به کوتاهی دوره بیست ساله حکومت رضاخان نشانه این سرعت می باشد. این ویژگی نظامی که بایستی رسیدن به هدف و انجام یک کار در زمان کوتاه و معین صورت پذیرد عملیات های ساختمانی را به مثابه یک عملیات نظامی شبیه سازی می کرد که باعث شد بناهای متعدد این دوره به مدد این انگیزه با سرعت چشمگیری

ساخته شوند. راه‌ها، تونل‌ها راه آهن، پل‌های فراوان و سلسله ساختمان‌های متعدد دولتی و نیز مجموعه بناهای میدان مشق، سردرِ باغ ملی و مجموعه دانشکده‌های اولیه دانشگاه تهران حاصل چنین تفکری می‌باشد. البته بی‌اعتمادی و سرکشی‌های مکرر رضاخان در افزایش سرعت این پروژه‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کرد.

۲-۳-۳. انتقال اندیشه‌های نظامی به معماری:

در دوره بیست ساله حکومت رضاخان اندیشه‌های نظامی، معماری، عمرانی و شهرسازی صفاتی مشابه و تعاریف مشترکی پیدا کردند. سلسله مراتب ارتش اینک در ورودی و ظاهر ساختمان‌ها تجلی پیدا کرده بود. تکرار عناصر مشابه و یک شکل در نمای ساختمان نظیر پنجره‌ها و ستون‌ها تداعی کننده لباس‌های متحدالشکل نظامیان شده بود. ستون‌ها و ردیف‌های تکرار شده همچون سربازانی ایستاده و آرام بودند که دیگران از آنها سان می‌دیدند و به عبارتی دیگر اقتدار، افراستگی، تحکم، ابهت و تفاخر واژه‌هایی نظامی بودند که اینک در معماری مصداق شکلی پیدا کرده بودند. اندیشه معماری نظامی با ساختن چنین بناهایی توانست اندیشه‌های اجتماعی سیاسی و نیز فرهنگی خود را در قالب شهرسازی جدید چنان پیاده کند که همیشه حضور سایه وار او حس شود.

۲-۳-۴. همانند سازی اروپایی ساختمان‌های ادارات:

از آنجایی که در این دوره براساس اعتقادات ناسیونالیستی سران حکومتی بازگشت به معماری دوران پرشکوه تاریخ ایران از جمله دوره هخامنشی و ساسانی مد

نظر قرار گرفته بود معماران تلاش می کردند سیستم اداری و حکومتی ایران را منطبق با اشکال موجود در اروپا سامان دهی کنند. در نخستین گام به احداث ساختمان‌هایی در قالب سه کاربری متفاوت اداری، آموزشی و صنعتی پرداختند و در گام بعدی به احداث کارخانه‌هایی به سبک نئو کلاسیک با معماری غربی روی آوردند. بناهای کاخ شهربانی سابق، اداره پست، ساختمان شرکت نفت ایران و انگلیس و ساختمان بانک ملی به عنوان شاخص به جای مانده از معماری دوران رضاشاهی هستند.

(<https://www.arel.ir/fa/Pages-View-83.html>..)

نتیجه‌گیری

فرهنگ منشأ و پایه تمام تحولات بشری و از مهم‌ترین ارکان توسعه جوامع است. مولفه‌ای تاثیرگذار که از ارزشها، اعتقادات و باورها تا منش، خصائل، هنجارها، ادبیات، هنر و معماری، آئین‌ها، افسانه و اسطوره‌ها را در بر می‌گیرد. توجه به این عنصر پرکاربرد همواره مورد توجه پادشاهان بوده است. آنان با سیاست‌های دستوری خود یا املا شده از سوی استعمارگران تلاش می‌کردند فرهنگ مدنظر خود را در پهنه حکومتی خود پیاده سازند. حکومت پادشاهی ایران نیز از این حلقه جدا نبوده است. با روی کار آمدن شاهان حکومت پهلوی اقداماتی املا شده از سوی سران کشورهای اروپایی و غربی جهت تغییر فرهنگ مردم و جامعه ایران آغاز شد. ترویج و تبلیغ آیین بهائیت در مقابله با آیین اسلام به منع عزاداری ماه محرم برای سید الشهداء ختم شد. در این بین سیاست تغییر پوشش و حجاب اسلامی و گرایش دادن مردم به مدها و مدل های اروپایی زمینه سستی در اعتقادات مردم را فراهم می‌کرد. ورود سینما و ارائه چهره

جدیدی از روابط خانوادگی الگوی رفتاری جدیدی را به روی دختران و پسران ایرانی گشود. با ورود زنان خاندان حکومتی به مسائل اجتماعی سرعت تغییر فرهنگ در ایران شدت گرفت و مدل های لباس اروپایی در بین مردم رواج پیدا کرد. معماری سنتی ایرانی نیز دستخوش تغییرات فرهنگی شد و با بازگشت به معماری شاهنشاهی هخامنشیان و ساسانیان معماران تحصیل کرده کشورهای غربی و اروپایی بناهایی همسو با آن تمدن ها ساختند.

فهرست منابع

- عیوضی محمدرحیم، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، معارف، قم، ۱۳۹۱ش.
- فارن جان، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، رسا، تهران، ۱۳۷۷ش.
- کاتوزیان محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، مترجمان، محمد رضا نفیسی، کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲ش.
- منصوری جواد، آشنایی با انقلاب اسلامی ایران، نشر معارف، قم، ۱۳۹۰ش.
- دره گزنی فائزه. ننگ سالی. انتشارات راهیار. بی تا.
- کرباسچی غلامرضا، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (تاریخ حوزه علمیه قم)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- فردوست حسین، ظهور و سقوط پهلوی، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، تهران ۱۳۸۰ش.
- صمیمی مینو، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۶ش.
- راجی پرویز، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه حسین ابوترابیان، اطلاعات، تهران، ۱۳۹۴ش.
- عاقلی باقر، رضاشاه و قشون متحدالشکل، نارمک، تهران، ۱۳۹۰ش.

واعظ نفیسه، نهادها و شیوه های خط مشی گذاری عشایری در دولت پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ه.ش).

رساله دکتری خانم منظر محمدی با عنوان «تحلیل تحولات پوشاک در جامعه شهری ایران: دوره قاجار- دوره پهلوی اول».

کنگره تبیین انقلاب اسلامی، ایدئولوژی رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی، عروج، تهران، ۱۳۸۲ ش.

پرونده کلاسه ۲۹۰۹/۱۸۵ - ۲۳/۱۱/۲۱ دادسرای شاهرود، به نقل از حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین خراسانی، فجایع بهائیت یا واقعه قتل ابرقو.

هیئت مولفان، سیمای فرهنگی ایران، عیلام، تهران، ۱۳۸۱ ش.

درفش، گاهنامه انجمن علمی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی - تهران

خبرگزاری ایرنا، روایت یک سقوط از زبان آنتونی پارسونز

وبلاگ معماری و هنر

مقاله نقش بهائیت در ایران (بهائیت، رژیم پهلوی و مواضع علما)

<https://www.arel.ir/fa/Pages-View-83.html>

<https://article.tebyan.net>

<https://shop.ebratmuseum.ir>

<https://shahraranews.ir/fa/news>

<https://shahraranews.ir/fa/news/40683>

دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی

محمد امین خوانساری^۱

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی دستاوردهای مختلفی از جمله جهش رشد علمی کشور را برای جامعه و مردم به ارمغان آورده است. پیشرفت‌های علمی بعد از انقلاب توانست با ایجاد امید، انگیزه، نشاط و اعتماد به نفس در مردم و مخصوصاً قشر جوان جامعه ایرانی را از وابستگی به کشورهای دیگر بی نیاز سازد. نوشتار حاضر تلاش نموده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی آماری از پیشرفت‌های علمی کشور را در ابعاد مختلف استخراج نموده و با مقایسه آنها در قبل و بعد از انقلاب به آگاهی بخشی و خود باوری مردم مخصوصاً نسل جوانی که تصویری از جامعه قبل از انقلاب ندارد کمک شایانی نموده باشد. با واکاوی و مقایسه دستاوردهای علمی قبل و بعد از انقلاب می توان ادعا کرد انقلاب اسلامی با باوراندن نیروی خود باوری به مردم و جوانان دانشمند توانست انقلاب دومی را با عنوان جهش رشد علمی کشور در دل خود فراهم نماید.

واژگان کلیدی: دستاوردهای علمی، انقلاب اسلامی، انجمن های علمی

^۱. طلبه پایه چهارم حوزه علمیه امام خمینی (ره) شهرستان خمین

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پیشرفت‌های مختلفی در کشور بوجود آمد. یکی از پیشرفت‌های غیر قابل انکار پیشرفت علمی کشور است که با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. دستاوردهای علمی بعد از پیروزی انقلاب نباید از چشم جوانانی که اطلاعی از زمان طاغوت ندارند پوشیده بماند چرا که با اطلاع از این مسئله احساس قدرت پیدا کرده و اظهار خود باختگی نمی‌کنند. درباره‌ی موضوع مورد بحث ما در رسانه‌ها و آثار مکتوب مطالب زیادی یافت می‌شود ولی کمتر در این باره به صورت مقاله تحقیقی می‌توان مقالاتی را پیدا کرد که به طور جامع پیشرفت‌های علمی را بیان کرده باشند. در این راستا سوال اصلی این است که جامعه ما بعد از انقلاب اسلامی در چه زمینه‌هایی از نظر علمی رشد داشته است و میزان رشد علمی کشور چقدر بوده است. از منابع مختلف در فضای مجازی تحقیق و یادداشت برداری شد و با دسته‌بندی مطالب دریافتیم که دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی بسیار زیاد و قابل توجه است به طوری که رتبه علمی ایران در بین ۱۵ کشور اول دنیا قرار گرفته است. روش ما در این مقاله توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای بوده و تا حد امکان به آمارهای دقیق و علمی استناد کرده ایم.

در ابتدا لازم است که با تعریف علم و دسته‌بندی علوم بتوانیم معیار پیشرفت علمی یک کشور را به دست آوریم. علم در لغت به مجموعه‌ای از مسائل که در موضوع معینی به آن پرداخته شده گفته می‌شود (المنجد، ص ۱۰۱۳). و در اصطلاح به پدید آمدن حقایق و اطلاعاتی از اشیاء که در ذهن حاصل می‌شود علم می‌گویند (شرح مواقف، ج ۱، ص ۶۹). علوم در یک دسته‌بندی کلی به علم دین و علم غیر دین تقسیم

می‌شوند و هر کدام از این علوم دارای رشته‌های مختلفی هستند که با گسترش علوم جدید دامنه آنها به شدت گسترش پیدا کرده است و باعث پیشرفت علمی کشورها محسوب می‌شوند. میزان پیشرفت علمی کشورها را می‌توان در امور زیر جستجو نمود.

۱. معیارهای پیشرفت علمی

۱. تعداد مقالات علمی که بیان‌کننده رتبه علمی کشور در بین سایر کشورهاست.

۲. کشفیات و اختراعات علمی

۳. امتیازات به دست آمده در المپیادهای علمی

۴. دسترسی به تکنولوژی جدید دنیا در رشته‌های مختلف مانند: پزشکی، هسته

ای، نظامی، دریایی، هوا فضا، سلول‌های بنیادی، کشاورزی، صنایع سبک و سنگین (اردکانی، ۱۳۸۹).

۲. مقایسه آمار قبل و بعد از پیشرفت

در مقایسه آمار پیشرفت‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی جهش علمی کشور را می‌توان به روشنی مشاهده نمود این آمار را میتوان در موارد زیر به شمارش درآورد:

۱. تعداد اندک آزمایشگاه‌های مراکز علمی کشور در سال ۵۷ به تعداد ۱۲۵۹۴

آزمایشگاه در سال ۱۳۹۶ رشد داشته است (اردکانی، ۱۳۸۹).

۲. تعداد شاغلین به تحصیل در مقطع کارشناسی از ۶۳۴۰ نفر دانشجو در سال ۵۷

به ۷۲۰ هزار نفر دانشجو رسیده است و در مقطع دکترای حرفه‌ای ۷۲ هزار نفر و در

گروه تخصصی ۱۲۵۵ نفر دانشجو تاکنون فارغ التحصیل شده‌اند. پس از انقلاب ما

شاهد موفقیت هر ساله دانش-آموزان و دانشجویان ایرانی در دست‌یابی به مقامات

جهانی و مدال‌های رنگارنگ در المپیادهای علمی در رشته‌های مختلفی همچون فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر در رقابت با کشورهای پیشرفته علمی هستیم که یکی از شواهد رشد و توسعه علمی کشور است؛ این در حالی است که قبل از انقلاب اسلامی دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای جهانی شرکت نداشتند (اردکانی، ۱۳۸۹).

۳. در رتبه‌بندی دانشگاه‌های برتر دنیا در نظام رتبه‌بندی تایمز دانشگاه‌های ایران از رتبه ۳۲ در سال ۲۰۱۲ به رتبه ۱۷ در سال ۲۰۱۷ ارتقا یافته‌اند. تعداد دانشگاه‌های برتر ایران در دنیا براساس نظام رتبه‌بندی موسسه لایدن به ۱۸ دانشگاه در سال ۲۰۱۸ رشد داشته است و برخی از آنها در زمره ۱ درصد دانشگاه‌های برتر جهان در سال ۲۰۱۸ قرار گرفته‌اند (اردکانی، ۱۳۸۹).

۴. درصد تولید علم در دانشگاه تهران بعد از انقلاب به ۹۸ درصد می‌رسد در حالی که قبل از انقلاب ۲ درصد بوده است. ۹۹ درصد تولید علم دانشگاه شریف مربوط به بعد از انقلاب است. این در حالی است که در دوران پهلوی ایرانیان همواره به غرب وابسته بودند و معمولاً مقالات و پژوهش‌های خاص و منحصر بفردی را ارائه نمی‌کردند. در دوران پیش از انقلاب اسلامی انتشار اندک مقالات علمی آن هم عمدتاً به زبان انگلیسی در دانشگاه‌های بزرگ کشور معمول بود و طبق آمارهای ارائه شده از سوی پایگاه تامسون رویترز (ISI) میزان تولیدات علمی ایران در این دوره بسیار ناچیز است به عنوان مثال از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ شمسی به ترتیب ۴۵۵، ۵۷۱ و ۶۵۶ مقاله از ایران در این نظام بین‌المللی استنادی به ثبت رسیده است (اردکانی، ۱۳۸۹). در همین راستا آمارهای تولیدات علمی ایران در پایگاه استنادی اسکوپوس از سال

۱۹۲۸ تا سال ۱۹۷۸ برابر با ۲۱۲۳ مدرک و در این پایگاه نیز بالاترین میزان تولید مدرک مربوط به سال ۱۳۵۷ و معادل با ۴۰۴ مقاله است. در سه سال آخر پیش از انقلاب اسلامی آمار تولیدات علمی بسیار اندک و به ترتیب برابر با ۳۱۵، ۳۵۳ و ۴۰۴ مقاله است. درست از سال‌های ۱۳۵۷ به بعد یعنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ماجرا به گونه‌ای دیگر رقم خورد و با تغییرات فضای آموزشی و دانشگاهی کشور میزان تولید و انتشارات مقالات علمی روند صعودی به خود گرفت هرچند در سال‌های ابتدایی انقلاب به دلیل جنگ تحمیلی و شرایط سخت حاکم بر کشور این روند صعودی قدری کند پیش رفت اما دیری نپایید که ایرانیان جایگاه خود را به سرعت ارتقا دادند به گونه‌ای که هم اکنون در این حوزه ایرانیان حرف‌های بسیاری را برای گفتن دارند. شایان ذکر است تعداد مقالات علمی تولید شده در سال ۲۰۱۱، ۲۸۴۱۳ مقاله، در سال ۲۰۱۲-۳۰۲۳۳ مقاله و در سال ۲۰۱۳-۳۰۱۱۹ مقاله است (امیدی، ۱۳۹۹).

۳. رشد پیشرفت‌های علمی

جهش پیشرفت‌های علمی بعد از انقلاب چون در زمینه‌های مختلف و در رشته‌های گوناگون اتفاق افتاده است بنابر این لازم است که این پیشرفت‌ها به طور جداگانه بیان شود که به شرح ذیل است:

۳-۱. توزیع عدالت آموزشی

انقلاب اسلامی با افزایش ده درصدی مراکز آموزشی در کل کشور توانست عدالت آموزشی بی نظیری را در جهان رقم بزند و تعداد دانشگاه‌های کشور را از

حدود ۱۵ واحد دانشگاهی در قبل از انقلاب به ۲۴۶۸ واحد دانشگاهی در بعد از انقلاب افزایش دهد و از متمرکز بودن دانشگاه در شهرهای بزرگ بکاهد و آنها را در همه مناطق کشور گسترش دهد همچنین تعداد مؤسسه‌های پژوهشی دارای مجوز اصولی قطعی و آزمایشی نسبت به پیش از انقلاب اسلامی حدوداً ۹ برابر شده به طوری که از تعداد ۸۳ مؤسسه در سال ۱۳۵۷ به تعداد ۶۸۶ رسیده است (اردکانی، ۱۳۸۹).

۳-۲. انجمن‌های علمی

رشد انجمن‌های علمی نسبت به پیش از انقلاب حدوداً ۵ برابر شده است و از تعداد ۷۸ انجمن در سال ۱۳۵۷ به تعداد ۳۵۸ انجمن در سال ۱۳۹۶ رسیده است. همچنین تعداد ۸۹۶۶ عدد از انجمن علمی دانشجویی بر اساس آخرین آمار مشغول به فعالیت می‌باشند. انقلاب اسلامی از نظر ایجاد بسترهای فناورمحور متناسب با روند جهانی موفقیت‌های شگرفی داشته است بطوری که تعداد مراکز رشد در دانشگاه‌ها به عدد ۱۷۹ رسیده است (اردکانی، ۱۳۸۹).

۳-۳. علم و فناوری

یکی از بسترهای نوین ایجاد شده در دانشگاه‌ها پس از انقلاب اسلامی پارک‌های علم و فناوری می‌باشد و هم اکنون تعداد این پارک‌ها به ۴۴ عدد رسیده است. تعداد واحدهای فناور مستقر در این پارک‌ها و مراکز رشد به تعداد ۴۷۱۶ واحد رسیده است. با تأسیس شرکت‌های دانش بنیان مستقر در این پارک‌ها به عنوان راهبرد نوین اقتصادی کشور تعداد این مراکز به بیش از ۳۷۰۰ شرکت افزایش داشته است. (رئیزی، ۱۳۹۷).

۳-۴. رشد علوم انسانی و رتبه‌های تحصیلی

انقلاب اسلامی در حوزه علوم انسانی افقی نو ایجاد کرد و زمینه ساز شکل‌گیری جریان معرفتی در حوزه علوم انسانی اسلامی شد. ۲۴ برابر شدن نرخ پوشش تحصیلی آموزش عالی و افزایش دانشجویان از ۱۷۵۶۷۵ نفر در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۴۸۰۰۰۰۰ هزار نفر و افزایش ۹۵ برابری دانشجویان دکتری از ۱۲۵۵ نفر در سال ۵۷ به بیش از ۱۲۰ هزار نفر و همچنین ۱۲/۵ برابر شدن اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها از ۷۲۳۱ نفر در سال ۱۳۵۷ به حدود ۹۰ هزار نفر زمینه قرار گرفتن تعداد ۲۰۸ دانشمند ایرانی پس از انقلاب را در جمع ۱ درصد از دانشمندان برتر جهان را فراهم ساخته است. همچنین تعداد دانش‌آموختگان زن از ۶ درصد در سال ۵۷ به ۴۵ درصد افزایش داشته است و هم اکنون ۲۲,۷ درصد از زنان ایرانی دارای تحصیلات تکمیلی هستند. این افزایش توانسته است رشد تعداد زنان هیأت علمی در دانشگاه‌ها را نسبت به قبل از انقلاب اسلامی به ۱,۴ درصد رشد برساند (رئیس، ۱۳۹۷).

رشد علمی بعد از انقلاب اسلامی توانست ایران را به رتبه ۱۵ علمی در جهان و رتبه اول در جهان اسلام برساند. با ۱۸ برابر شدن سهم ایران در تولید علم در جهان این شاخص هم اکنون به ۲ درصد رسیده است. رشد ۶۸ برابری چاپ مقالات بین‌المللی و کسب رتبه ۲۱ جهان در مقالات علمی کیفی پر استناد جهان و ۵۳ برابر شدن نشریات علمی پژوهشی و رشد آنها از ۲۰ نشریه در سال ۵۷ به ۱۰۹۴ نشریه از افتخارات نظام علمی جمهوری اسلامی می‌باشد (رئیس، ۱۳۹۷). در حال حاضر سالانه حدود نیم میلیون نفر فارغ‌التحصیل دانشگاهی داریم که از این تعداد نزدیک به ۴۰ هزار نفر فارغ

التحصیل تحصیلات تکمیلی هستند که بالقوه آماده کار پژوهش‌اند. بیش از سه هزار نفر از آنها هم فارغ التحصیلان دوره‌های دکتری هستند بنابراین این آمادگی وجود دارد که با برنامه‌ریزی درست و با استفاده بهینه از منابع و با هماهنگی کردن دستاوردهای زیادی که در کشور در حال رخ دادن است بتوانیم با حرکتی پرشتاب از بقیه رقبا حتی از آنهایی که در شرایط موجود جلوتر از ما هستند پیشی بگیریم. البته شایان ذکر است که با معیارهای جزئی نمی‌توان وضعیت علمی و فناوری کشور را در صحنه بین‌المللی موقعیت سنجی نمود هرچند همین شاخص‌های جزئی می‌تواند راهنمای خوبی برای سنجیدن باشد. مثلاً اگر تولید علم را با انتشارات علمی بین‌المللی کشور بسنجیم که معیاری خوب اما ناقص است ما در رتبه سی ام دنیا قرار می‌گیریم (مهر، ۱۳۹۳، بی‌نا).

۴. دستاوردهای علمی و آموزشی

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، پیشرفت‌های علمی و دستیابی جمهوری اسلامی به برخی از فناوری‌های نوین در سال‌های اخیر به گونه‌ای حیرت‌انگیز بوده است که غربی‌ها را به شدت نگران کرده و تشدید فشارها، کارشکنی‌ها و تحریم‌ها را با بهانه‌هایی از جمله موضوع هسته‌ای و رشد موشکی موجب شده است. ارتقای سطح علمی جامعه، افزایش نرخ باسوادی، رشد مراکز علمی مدارس و دانشگاه‌ها و رشد تعداد دانشجویان در رشته‌های مختلف علمی، رتبه برتر ایران در تعداد مقالات و ارجاعات علمی و ثبت اختراعات و برتری در فناوری نانو، هسته‌ای، فضایی و سلول

های بنیادی در پرتو پیشرفت‌های علمی اتفاق افتاده است. برخی از دستاوردهای علمی و فناوری پس از انقلاب اسلامی عبارتند از:

۱. دانشمندان ایرانی توانسته‌اند با به دست آوردن رتبه ۱۶ تولید علم جهان در سال ۲۰۱۸ و رتبه اول شتاب علمی جهان در سال ۲۰۱۷ سرعت پیشرفت علم در ایران را به ۱۱ برابر دنیا افزایش دهند (اردکانی، ۱۳۸۹). ادامه این تلاش‌ها توانست رتبه چهارم تولید علم نانو در جهان، رتبه اول آسیا و پنجم جهان در فناوری لیزر، رتبه پنجم جهان در زمینه امنیت شبکه مجازی را برای کشور به ارمغان آورد و ایران را در رتبه چهل و هفتمین کشور نوآور جهان معرفی نماید (گزارش بلومبرگ ۲۰۱۹). همچنین طی آخرین گزارش‌ها جمهوری اسلامی ایران با ۳۷۱ مقاله برتر تنها کشور اسلامی است که در بین ۲۰ کشور نخست جهان دیده می‌شود. پیش از ایران دانمارک با تفاوت اندکی رتبه هفدهم و کشورهای اسکاتلند و برزیل جایگاه‌های نوزدهم و بیستم را به خود اختصاص داده بودند. از میان ۵۷ کشور اسلامی در سال ۲۰۱۸، جمهوری اسلامی ایران با انتشار ۳۷۱ مقاله برتر جایگاه نخست و سایر کشورها در رتبه‌های دیگر قرار دارند. پس از ایران عربستان با ۳۰۲، ترکیه با ۱۹۲ و پاکستان با ۱۵۱ مقاله برتر رتبه‌های دوم تا چهارم را کسب کرده‌اند. حضور فعال ایران در عرصه‌های علمی به قدری با سرعت و چشم‌گیر است که تاکنون افزون بر ۲۶۱۹۶ اختراع علمی از سوی دانش‌پژوهان جوان ایرانی به ثبت رسیده است و منجر به کسب ۳۶۲ مدال علمی در المپیادهای مهم جهان شده است. بر این اساس طبق یافته‌های مراکز علم‌سنجی بین‌المللی رشد علمی ایران با معیار جهانی تنها طی ۱۲ سال به ۱۸ برابر رسیده است و

از این جهت ایران سریع‌ترین رشد علمی را در میان کشورهای جهان داشته است (فشارکی، ۱۳۹۹).

۲. افزایش ۲۱ هزار نفری عضویت زنان در هیات‌های علمی دانشگاه‌ها از دیگر دستاوردهای جهش علمی بعد از انقلاب است در حالی که قبل از انقلاب تنها ۱۰۰ زن استاد دانشگاه بوده‌اند (اردکانی، ۱۳۸۹).

۳. پیوستن ۲۰۸ دانشمند ایرانی در جمع یک درصد دانشمندان برتر جهان و پذیرفته شدن تعداد ۲۳ دانشگاه ایران در زمره یک درصدی از دانشگاه‌های برتر جهان از دیگر دستاوردهای پیشرفت علمی بعد از انقلاب است (اردکانی، ۱۳۸۹).

۴. رتبه ۱۱ جهان در رشته مهندسی هوا و فضا، رتبه دهم جهان در سلول‌های بنیادی، رتبه ۱۱ جهان در تولیدات علمی رشته شیمی، رتبه ۱۹ جهان در رشته پزشکی از دیگر دستاوردهای جهش علمی پس از انقلاب محسوب می‌شود (اردکانی، ۱۳۸۹).

۵. از دیگر دستاوردهای جهش علمی پس از انقلاب اسلامی افزایش رشد سواد افراد جامعه از ۳۸ درصد به ۹۸ درصد است. این دستاورد توانسته است رشد باسوادی در ایران را به ۳ برابر میانگین جهانی افزایش دهد (اردکانی، ۱۳۸۹).

۵. توانمندی‌های فنی مهندسی

عقب ماندگی فناوری در دوران ستم‌شاهی برای ایرانیان با سابقه فرهنگی و تمدنی کهن بسیار آزاردهنده بود. آنان با عبور از مرزهای دانش و دستیابی به پیشرفته‌ترین فناوری‌ها توانستند به ایجاد تمدن نوین اسلامی که از آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی بود دسترسی پیدا نمایند. پیشرفت‌های فنی مهندسی و دستیابی

حیرت‌انگیز جمهوری اسلامی به برخی از فناوری‌های نوین در سال‌های اخیر کشورهای غربی را برآن داشت تا با تشدید فشارها و کارشکنی‌ها و با بهانه‌هایی از جمله موضوع هسته‌ای و رشد موشکی تلاش کنند تا مانع پیشرفت‌های شگرف ایران شوند (حوزه، ۱۳۹۷).

برخی از دستاوردهای حوزه علوم فنی مهندسی که پس از انقلاب اسلامی تولید شده عبارتند از:

۵-۱. دفاعی

این دستاوردها را می‌توان در اقسام زیر به شمارش درآورد:

الف. هوایی: شامل طراحی و ساخت سامانه‌های پدافندی برد کوتاه متوسط و بلند؛ طراحی و ساخت جنگنده، انواع پهپاد، بالگرد و پرنده‌های فوق سبک و الکترونیک هوایی می‌شود.

ب: دریایی: شامل طراحی و ساخت انواع ناو و ناوشکن، انواع زیردریایی، قایق پرنده، شناورهای تندرو و فوق سریع و انواع هواناوها می‌شود.

ج: زمینی: شامل طراحی و ساخت انواع تانک، نفربر، خودروی نظامی، تجهیزات و سلاح‌های انفرادی، انواع مهمات سبک و سنگین می‌شود.

د. موشکی: شامل طراحی و ساخت انواع موشک‌های زمین به زمین، انواع موشک‌های کروز می‌شود.

ه. الکترونیک و رادار: شامل طراحی و ساخت انواع رادار جستجو و ردیاب، سامانه‌های الکترونیکی خاص، طراحی قطعات میکرو الکترونیک می‌شود.

و. ساییری: شامل مدیریت فضای ساییری، تامین امنیت ساییری و دفاع ساییری می شود (رئییسی، ۱۳۹۷).

۵-۲. فضایی

ایران در حوزه هوافضا در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانسته پیشرفت‌های چشم‌گیری بدست آورد. ایران با اینکه فعالیت خود در این حوزه را بسیار دیر آغاز کرد اما اکنون موفق شده است در میان ۹ کشور صاحب چرخه کامل فناوری ماهواره در دنیا قرار بگیرد (تابناک، ۱۳۹۶). این دستاورد شامل طراحی و ساخت انواع ماهواره‌های: مخابراتی، سنجشی و ناوبری در ابعاد و دقت‌های متفاوت؛ سفینه‌های فضایی حامل ماهواره‌های: سفیر، سیمرخ و ذوالجناح؛ ایستگاه‌های: پرتاب، بهره برداری ثابت و متحرک، هدایت و کنترل ماهواره؛ محموله‌های دوربین و ترانسپوندر؛ آزمایشگاه فضایی موشک‌های کاوشی می‌شود (اردکانی، ۱۳۸۹).

۵-۳. هسته‌ای

در حوزه‌ی فناوری هسته‌ای ایران بعد از پیروزی انقلاب و به خصوص در سال‌های اخیر گام‌های بزرگی را برداشته است. این پیشرفت‌ها باعث شد تا در سال ۲۰۱۳ "بریتیش پترولیوم" با معرفی ۲۹ کشور فعال در زمینه‌ی هسته‌ای جهان ایران را در رتبه‌ی بالاتری نسبت به هلند معرفی کند (اردکانی، ۱۳۸۹).

۴-۵. سلول‌های بنیادین

در زمینه فناوری و تحقیقات سلول‌های بنیادی ایران اکنون جزو ۱۰ کشور برتر جهان محسوب می‌شود و محققان ایرانی توانسته‌اند پیشرفت‌های خوبی را در این زمینه داشته باشند (اردکانی، ۱۳۸۹).

۵-۵. پیشرفت‌های پزشکی

ایران بعد از انقلاب اسلامی و با تکیه بر متخصصان داخلی توانسته است به موفقیت‌ها بزرگ پزشکی دست یابد. همچنین در تولید داروهای خاص از جمله داروی مقابله با ایدز، تولید داروی درمان زخم پای دیابتی و تولید دارو برای درمان کم خونی بیماران تالاسمی برای نخستین بار در جهان یکی دیگر از دستاوردهای فنی کشور به شمار می‌رود (تابناک، ۱۳۹۶).

این دستاوردها باعث شد تا در مقایسه‌های فناوری بین المللی، ایران جزء ۴۰ کشور برتر دنیا قرار گیرد و حتی در بعضی از حوزه‌ها بین ۲۰ کشور اول دنیا مطرح شود. البته در ارزیابی‌هایی که در خصوص فناوری ایران انجام شده دستاوردهای بزرگ فناوری که در کشور حاصل شده است در نظر گرفته نشده‌اند مثل فناوری هسته ای، نانو و فناوری سلول‌های بنیادی و از این قبیل که به صورت خاص دیده نشده‌اند. این که کشور ما از نظر فناوری در چه موقعیتی است به این بستگی دارد که در کدام رشته از رشته‌های مطرح و دارای مزیت مقابسه‌ای صورت بگیرد بنابراین به نظر می‌رسد که در این ارزیابی‌ها پیشرفت‌های ایران را کمتر از آنچه صورت گرفته است نشان می‌دهند در حالی که رتبه فناوری کشور بالاتر از برآوردهاست (اولیایی، ۱۳۹۴).

در چهل سالی که از انقلاب اسلامی می‌گذرد کشور در زمینه شاخص‌های علمی در رتبه‌های قابل توجه جهانی قرار گرفته و از لحاظ نیروی انسانی متخصص و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل علمی نیز به پیشرفت‌های دور از انتظاری دست یافته است. پیشرفت‌های حاصل شده را می‌توان حاصل دو موج آموزش و پژوهش دانست که موهون پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش برای جبران کاستی‌های پیش از انقلاب بوده است. پس از پیروزی انقلاب به علت عقب ماندگی‌های شدید در بخش‌های مختلف از جمله آموزش عالی که با کمبود شدید نیروی انسانی تحصیل کرده و متخصص مواجه بودیم به طوری که حتی هفت سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ کمبود شدیدی که در زمینه نیروی پزشکی وجود داشت هنوز در شهرهای متوسط کشور نیز پزشکان خارجی از بعضی کشورهای جهان سوم مشغول کار بودند (اولیایی، ۱۳۹۴).

۶. انقلاب فرهنگی

خوشبختانه در نیمه‌های دهه شصت که برنامه ریزی‌های صورت گرفته در ستاد انقلاب فرهنگی به تدریج به مرحله اجرا درآمد و کمبود شدید نیروی انسانی تقریباً در عرض یک دهه به نحو محسوسی برطرف شد به وضعیتی رسیدیم که تقریباً در تمامی رشته‌ها توانستیم نیروی انسانی مورد نیاز را تامین کنیم و امروز با چیزی حدود ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار دانشجو در رشته‌های مختلف در همه کشور و در مقاطع مختلف تحصیلی مواجه‌ایم و این موج اولی بود که انقلاب موفق شد آن را به راه بیندازد و جامعه را

از ثمرات آن بهره‌مند سازد (موسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام، ۱۳۹۳، بی نا).

۷. بهداشت و درمان:

پیش از انقلاب اسلامی در کل کشور تنها ۵ هزار و ۸۹۰ نفر پزشک وجود داشت که ۶۸ درصد آنها در تهران مشغول طبابت بودند اما در حال حاضر بر اساس آمار نظام پزشکی ۷۸ هزار نفر پزشک عمومی، ۳۶ هزار نفر پزشک متخصص و فوق تخصص، ۲۴ هزار نفر دندانپزشک عمومی، ۲ هزار نفر دندانپزشک متخصص، ۱۹ هزار نفر دکتر داروساز، ۱۲۰۰ نفر دکتر علوم آزمایشگاهی، ۳۵ هزار نفر ماما و ۱۵ هزار نفر گروه‌های دارای پروانه پزشکی داریم. این در حالی است که اوایل انقلاب در بعضی نقاط کشور به ازاء هر ۱۸ هزار نفر یک پزشک وجود داشت. در حال حاضر معادل ۳۰ هزار نفر دانشجوی در رشته دکتری پزشکی عمومی در حال تحصیل هستند و پیش بینی می‌شود حدود ۴ هزار نفر سالانه به جمعیت پزشکان عمومی اضافه شود. از سویی دیگر حدود ۱۰ هزار نفر از جمعیت پزشکان عمومی کشور در حال گذران تحصیلات تکمیلی در رشته‌های تخصصی به سر می‌برند. ایران همچنین در زمینه‌ی پیوند مغز استخوان دومین کشور پس از ایتالیا (از نظر تعداد پیوند) در جهان است. به گونه‌ای که از ۲۶ سال پیش تاکنون بیش از ۵ هزار و ۳۷۳ مورد پیوند سلول‌های بنیادی خون و مغز استخوان تنها در بیمارستان شریعتی تهران انجام شده است و سالانه به طور میانگین ۷۰۰ پیوند در ایران صورت می‌گیرد (اردکانی، ۱۳۸۹).

۸. صنعت دارویی:

صنعت دارویی کشور با وجود اینکه ۸۰ سال سابقه دارد اما شکوفایی این صنعت پس از انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس اتفاق افتاد و با تاسیس ۶ کارخانه مهم داروسازی پس از دو دهه صنعت دارویی ایران به حوزه تولید داروهای بیوتکنولوژیک وارد و فرآورده‌های بیوتکنولوژیک مورد نیاز بیماران خاص را تولید نمود تا جایی که اکنون ۳۴ داروی بیوتکنولوژیک تمام ایرانی در کشور تولید می‌شود. (اردکانی، ۱۳۸۹).

نتیجه گیری

با توجه به آماری که بیان شد می‌توان گفت پیشرفت‌های علمی ایران بعد از انقلاب اسلامی دستاوردهای بسیار چشمگیری داشته است. این دستاوردها را می‌توان با نام انقلاب دوم در زمینه‌های مختلف علمی، پزشکی، صنعتی، نظامی، سلول‌های بنیادی، فناوری هسته‌ای و نانو به دنیا معرفی نمود. مقایسه آمار قبل و بعد از انقلاب گویای این مطلب است که جهش چهل سال اخیر مرهون تلاش دانشمندان ایرانی در سایه پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) است. نمودارها نشان می‌دهند که پیروزی انقلاب نقطه عطفی در تاریخ کشور به وجود آورد و سبب رشد و شکوفایی استعدادها گردید استعدادهایی که در زمان پهلوی اجازه پیشرفت نداشتند و بخاطر سلطه اجانب مصرف گرا تربیت شده بودند. پیروزی انقلاب و قطع شدن استعمار دولت‌های آمریکایی و اروپایی و بی اثر شدن تحریم‌هایشان توسط مقاومت ملت ایران سبب شد جوانان ما به خود اتکایی روی آورده و در این راستا به

دستاوردهای شگفتی نائل شوند دستاوردهایی که هنوز ادامه داشته و روز به روز سبب شگفتی بیشتر دنیا خواهد شد.

فهرست منابع

امیدی زینب، ۱۳۹۹، استقلال علمی،

<https://www.tasnimnews.com/fa> .

رئیزی الهام، ۱۳۹۷، دستاوردهای انقلاب،

<https://www.isna.ir>.

بی‌نا، ۱۳۹۳، مقایسه تولیدات علمی،

<https://isc.ac/fa/news/545/%D9>.

اردکانی محمد هاتفی، ۱۳۸۹، دستاوردهای انقلاب،

<https://syr-zisholza.blogsky.com> .

بی‌نا، ۱۳۹۷، تاملی بر دستاوردهای علمی انقلاب،

<https://www.hawzahnews.com/news>.

بی‌نا، ۱۳۹۹، علم و فناوری،

<https://isc.ac/fa/news> .

اولیایی ریحانه، ۱۳۹۴، پیشرفت های علمی،

<http://pishro37.blogfa.com>.

بی‌نا، ۱۳۹۶، دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی،

<https://defapress.ir/fa/news>.

فشارکی جواد، ۱۳۹۷، دستاوردهای علمی و فناوری،

<https://javadfesharaki.blog.ir>.

بی‌نا، ۱۳۹۷، کارنامه علمی ایران،

<https://argentina.mfa.gov.ir/portal/newsview/524719>.

بی‌نا، ۱۳۹۷، دستاورد های علمی و فناوری،

<https://www.hawzahnews.com>.

بی‌نا، ۱۳۹۳، مقایسه تولیدات علمی،

<https://isc.ac> .

بی‌نا، ۱۴۰۲، انقلاب اسلامی ایران،

<https://www.mehrnews.com/news/6013302>.

بی‌نا، ۱۳۹۷، دستاوردهای حوزه علمیه،

<https://fa.wikipasokh.com/view/%D8%AF%D8%>.